

واژه‌های مصوب کارگروه نقشه‌برداری

تا پایان دفتر شانزدهم (۱۳۹۸)

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کارگروه	تعریف	دفتر
۱	مقیاس	scale , échelle 2 (fr.)	[عمومی، مهندسی نقشه‌برداری]	[عمومی] رابطه میان اندازه واقعی چیزی با اندازه نقشه و نمودار آن [مهندسی نقشه‌برداری] نسبت یک فاصله مشخص بر روی عکس یا نقشه به فاصله متناظر آن بر روی زمین	1
۲		échelle 2 (fr.) → scale	[عمومی، مهندسی نقشه‌برداری]		1
۳	اشتباه	blunder	[مهندسی نقشه‌برداری]	خطایی که از بی‌توجهی افراد یا معیوب بودن دستگاه ناشی شود	2
۴	بازتابگر	reflector 1	[مهندسی نقشه‌برداری]	در فاصله‌یابی الکترونیکی، سطح یا ترکیبی از سطوح که پرتو رسیده را در همان جهت به فرستنده بازگرداند مت. بازتابنده	2
۵	بازتابنده		[مهندسی نقشه‌برداری]	← بازتاب‌گر	2
۶	برون‌نهاد	outlier 1	[مهندسی نقشه‌برداری]	مقداری از کمیت اتفاقی که بیرون از حد آستانه معینی قرار گیرد	2
۷	پیمایش ۲	traverse 1	[مهندسی نقشه‌برداری]	تعیین مختصات ایستگاه‌ها در زنجیره‌ای از ایستگاه‌های نقشه‌برداری	2
۸	تراز ۲	level 1, spirit level	[مهندسی نقشه‌برداری]	وسیله‌ای ساده برای مشخص کردن امتداد افقی در یک نقطه	2
۹	تراز کردن ۲	levelling 1	[مهندسی نقشه‌برداری]	عمل قرار دادن یک امتداد، صفحه یا مدل تصویرسنجی در وضعیت افقی	2
۱۰	ترازیاب	level 2	[مهندسی نقشه‌برداری]	وسیله‌ای برای تعیین اختلاف ارتفاع، شامل دوربینی که می‌تواند به کمک تراز در حالت افقی قرار گیرد و در حول محور قائم بچرخد	2
۱۱	ترازیابی	levelling 2	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایندی برای تعیین فاصله‌های عمودی نسبت به یک سطح مبنا یا تعیین اختلاف ارتفاع	2
۱۲	تصحیح	correction	[مهندسی نقشه‌برداری]	افزودن یک مقدار به یک کمیت یا کاستن از آن برای جبران انحراف‌های مشخص و غیرقابل صرف‌نظر در اندازه‌گیری	2
۱۳	تصحیحی	corrective	[مهندسی نقشه‌برداری]	مربوط به تصحیح	2
۱۴	تصویر ۲	image 1	[مهندسی نقشه‌برداری]	نمایشی از یک جسم که با استفاده از پرتوهای الکترومغناطیسی یا نور هندسی ایجاد می‌شود، به‌گونه‌ای که معمولاً میان نقاط نمایش و نقاط منابع پرتو تناظر یک‌به‌یک وجود دارد	2
۱۵	تصویرسازی	imagery	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند ساخت تصویر	2
۱۶	تُن‌دیاب	tacheometer, tachymeter	[مهندسی نقشه‌برداری]	نوعی دستگاه نقشه‌برداری برای تعیین سریع راستا و فاصله	2
۱۷	تُن‌دیاب الکترونیکی	electronic tacheometer	[مهندسی نقشه‌برداری]	تُن‌دیابی که از ابزار الکترونیکی برای فاصله‌یابی و زاویه‌یابی استفاده می‌کند	2
۱۸	تُن‌دیابی	tacheometry, tachymetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	روشی در نقشه‌برداری برای تعیین سریع و هم‌زمان سمت و فاصله و اختلاف ارتفاع توسط تُن‌دیاب	2
۱۹	چوبه ۲		[مهندسی نقشه‌برداری]	← چوبه ترازیبی	2
۲۰	چوبه ترازیبی	staff 1	[مهندسی نقشه‌برداری]	میله‌ای مدرج برای اندازه‌گیری اختلاف ارتفاع و فاصله مت. چوبه ۲	2

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۲۱	خطا ۱	error	[مهندسی نقشه برداری]	اختلاف میان مقدار مشاهده شده یا محاسبه شده یک کمیت با مقدار واقعی یا پذیرفته شده آن	2
۲۲	خطا دار	erroneous	[مهندسی نقشه برداری]	کمیت یا پارامتری که دارای خطا باشد	2
۲۳	خطای تصادفی	random error, accidental error	[مهندسی نقشه برداری]	خطایی که منشأ نامشخص داشته باشد و تأثیر آن بر تک تک اندازه گیری ها تابع قانون خاصی نباشد	2
۲۴	خطای نظام مند	systematic error	[مهندسی نقشه برداری]	خطایی که علامت جبری و تا حدودی اندازه آن به مجموعه ای از شرایط بستگی داشته باشد	2
۲۵	درست	accurate	[مهندسی نقشه برداری]	ویژگی اندازه گیری یا کمیتی که به مقدار واقعی خود نزدیک باشد	2
۲۶	درستی	accuracy	[مهندسی نقشه برداری]	معیاری که نزدیکی برابند مشاهدات یک کمیت را به اندازه واقعی آن نشان می دهد	2
۲۷	دقت	precision	[مهندسی نقشه برداری]	معیاری برای نشان دادن میزان نزدیکی مشاهدات یک کمیت به کمیت دیگر	2
۲۸	دقیق	precise	[مهندسی نقشه برداری]	ویژگی روش یا دستگاهی که بتواند نتایجی ارائه دهد که در صورت تکرار عمل، تغییر اندکی داشته باشد	2
۲۹	دور کاوی	remote sensing	[مهندسی نقشه برداری]	جمع آوری و پردازش و به کارگیری اطلاعات کمی و کیفی از جسم بدون تماس با آن از راه دور . سنجش از دور	2
۳۰	دور کاویده	remotely sensed	[مهندسی نقشه برداری]	ویژگی اطلاعاتی که به روش دور کاوی به دست آمده باشد	2
۳۱	زاویه یاب	theodolite	[مهندسی نقشه برداری]	وسیله ای برای اندازه گیری زوایای افقی و قائم که اجزای اصلی آن را یک دوربین و دو دایره مدرج افقی و قائم تشکیل می دهد	2
۳۲	ژرفاسنج	bathymeter	[مهندسی نقشه برداری]	دستگاهی برای انجام عملیات اندازه گیری ژرفا در اقیانوس ها و سایر آبها	2
۳۳	ژرفاسنجی	bathymetry	[مهندسی نقشه برداری]	عملیات اندازه گیری ژرفا در اقیانوس ها و سایر آبها	2
۳۴	ژرفانگار	bathymetrograph	[مهندسی نقشه برداری]	وسیله ای برای ثبت دما برحسب عمق آب	2
۳۵	سرشکن کردن	adjust 1	[مهندسی نقشه برداری]	عمل به حداقل رساندن خطاهای دسته ای از مشاهدات از طریق انجام عملیات ریاضی یا فیزیکی یا آماری	2
۳۶	سرشکنی	adjustment 2	[مهندسی نقشه برداری]	مجموعه عملیات ریاضی یا فیزیکی یا آماری که برای به حداقل رساندن خطای دسته ای از مشاهدات یک یا چند کمیت مرتبط به کار رود	2
۳۷	سرشکنی پذیر	adjustable 1	[مهندسی نقشه برداری]	ویژگی مشاهداتی که می توان به روش سرشکنی خطای آنها را به حداقل رساند	2
۳۸	سطح تراز	level surface 1	[مهندسی نقشه برداری]	سطحی که در هر نقطه بر امتداد گرانی عمود باشد	2
۳۹	سنجش از دور		[مهندسی نقشه برداری]	← دور کاوی	2
۴۰	صحت	correctness	[مهندسی نقشه برداری]	ویژگی وضعیت یک کمیت پس از جبران انحراف های مشخص و غیر قابل صرف نظر در اندازه گیری آن	2
۴۱	صحیح	correct	[مهندسی نقشه برداری]	ویژگی کمیتی که یک مقدار مشخص به آن افزوده یا از آن کاسته شده است تا انحراف های آن جبران شود	2
۴۲	عدسی زاویه باز	wide-angle lens	[مهندسی نقشه برداری]	عدسی دوربینی که میدان دید زاویه ای آن بین ۷۵ تا ۱۰۰ درجه باشد	2

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۴۳	عدسی زاویه بسته	narrow-angle lens	[مهندسی نقشه برداری]	عدسی دوربینی که میدان دید زاویه‌ای آن کمتر از ۶۰ درجه باشد	۲
۴۴	عدسی زاویه بسیار باز	superwide-angle lens	[مهندسی نقشه برداری]	عدسی دوربینی که میدان دید زاویه‌ای آن بیش از ۱۰۰ درجه باشد	۲
۴۵	عدسی زاویه معمولی	normal-angle lens	[مهندسی نقشه برداری]	عدسی دوربینی که میدان دید زاویه‌ای آن بین ۶۰ تا ۷۵ درجه باشد	۲
۴۶	عکس ۲	photograph, photo	[مهندسی نقشه برداری]	نمایشی از اشیا که بر اثر تابش امواج الکترومغناطیسی بر لایه حساسی مثل برومور نقره حاصل شود	۲
۴۷	عکس برداری	photography	[مهندسی نقشه برداری]	تهیه عکس که با تابش امواج الکترومغناطیسی بر لایه حساسی مانند برومور نقره انجام می‌شود	۲
۴۸	عکس برداری نوار پیوسته	continuous-strip photography	[مهندسی نقشه برداری]	ثبت عکس بر روی نوار پیوسته، با دوربین‌های مخصوص	۲
۴۹	عکس برداری هم‌گرا	convergent photography	[مهندسی نقشه برداری]	عکس برداری از یک صحنه، از دو یا چند ایستگاه به طوری که محور دوربین‌ها هم‌گرا باشد	۲
۵۰	عکس سراسرنما	panoramic photograph	[مهندسی نقشه برداری]	زنجیره‌ای از عکس‌های بهم‌پیوسته	۲
۵۱	عکس قائم	vertical photograph	[مهندسی نقشه برداری]	عکسی که در هنگام تهیه آن، محور دوربین بیش از ۳ تا ۵ درجه از امتداد قائم انحراف نداشته باشد	۲
۵۲	عکس مایل	oblique photograph	[مهندسی نقشه برداری]	عکسی که در هنگام تهیه آن، محور دوربین بیش از ۵ درجه از امتداد قائم انحراف داشته باشد	۲
۵۳	عکسی	photographic	[مهندسی نقشه برداری]	مربوط به عکس	۲
۵۴	عمق یاب		[مهندسی نقشه برداری]	← عمق یاب پژواکی	۲
۵۵	عمق یاب پژواکی	echo sounder	[مهندسی نقشه برداری]	دستگاهی که عمق آب را از طریق زمان رفت و برگشت تپ/ پالس صوتی یا فراصوتی اندازه می‌گیرد مت. عمق یاب	۲
۵۶	فاصله یاب الکترونیکی	electronic distance measurement, EDM	[مهندسی نقشه برداری]	وسیله‌ای الکترونیکی که برای اندازه‌گیری فاصله بر اساس خواص امواج الکترومغناطیسی عمل می‌کند	۲
۵۷	مقیاس ترسیمی	graphic scale	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی مقیاس که با خط یا نوار مدرج در حاشیه نقشه نمایش داده می‌شود	۲
۵۸	مقیاس گذاری	scaling 6	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تعیین یا تغییر مقیاس یک عکس یا نقشه	۲
۵۹	میل ۲		[مهندسی نقشه برداری]	← میل نقشه برداری	۲
۶۰	میل نقشه برداری	pole 2, ranging pole	[مهندسی نقشه برداری]	میل‌های ساده، معمولاً به طول دو متر، که از آن برای تعیین امتداد استفاده می‌کنند مت. میل ۲	۲
۶۱	نشانه ارتفاعی	bench mark 2	[مهندسی نقشه برداری]	نشانه‌ای کم‌وبیش ماندگار که ارتفاع آن با دقت کافی مشخص شود	۲
۶۲	نقشه ۱	chart	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌های ناوبری دریانوردی و هوانوردی و برخی از نقشه‌هایی که کاربرد ویژه دارند	۲
۶۳	نقشه ۲	map 1	[مهندسی نقشه برداری]	نمایشی قراردادی از عوارض فیزیکی طبیعی یا مصنوعی سطح زمین معمولاً بر روی سطح مسطح با مقیاس و سمت مشخص	۲
۶۴	نقشه دریانوردی	nautical chart	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که برای نمایش نیازهای ناوبری تهیه شود	۲
۶۵	نقشه ژرفایی	bathymetric map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که در آن پستی و بلندی‌های کف دریا به تصویر کشیده شود	۲
۶۶	نقشه‌ساز	mapper	[مهندسی نقشه برداری]	طراح و تهیه‌کننده نقشه	۲
۶۷	نقشه‌سازی ۱	charting	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند طراحی و تولید نقشه‌های مورد نیاز در ناوبری	۲

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۶۸	نقشه سازی ۲	mapping 1	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند طراحی و ساخت نقشه	2
۶۹	نگاره ۳	picture	[مهندسی نقشه برداری]	نقشی از یک جسم که با ترسیم یا نقاشی یا عکاسی بر یک روبه معمولاً مسطح حاصل شود	2
۷۰	نگاره ای	pictorial	[مهندسی نقشه برداری]	مربوط به نگاره	2
۷۱		accidental error → random error	[مهندسی نقشه برداری]		2
۷۲		EDM → electronic distance measurement	[مهندسی نقشه برداری]		2
۷۳		photo → photograph	[مهندسی نقشه برداری]		2
۷۴		ranging pole → pole 2	[مهندسی نقشه برداری]		2
۷۵		spirit level → level 1	[مهندسی نقشه برداری]		2
۷۶		tachymeter → tacheometer	[مهندسی نقشه برداری]		2
۷۷		tachymetry → tacheometry	[مهندسی نقشه برداری]		2
۷۸	عمق یابی پژواکی	echo sounding	[باستان شناسی، مهندسی نقشه برداری]	فرایند اندازه گیری عمق آب از طریق اندازه گیری زمان رفت و برگشت تپ / پالس صوتی یا فراصوتی	2
۷۹	عمق یابی	sounding 2	[ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	اندازه گیری عمق دریاها و دریاچه ها و رودخانه ها با وسایل مختلف	2
۸۰	ایستگاه کاری تصویرسنجی رقمی	digital photogrammetric workstation, DPW, soft copy workstation	[مهندسی نقشه برداری]	مجموعه سخت افزاری و نرم افزاری که به کمک روش های دستی و خودکار برای استخراج محصولات تصویرسنجی از تصاویر رقمی به کار می رود	4
۸۱	برجسته بینی	stereoscopic vision 1	[مهندسی نقشه برداری]	قابلیت درک فضای سه بعدی و تشخیص عمق با استفاده از هندسه جفت تصویری	4
۸۲	برجسته نما	stereoscope	[مهندسی نقشه برداری]	وسیله ای که برای برجسته بینی تصاویر به کار می رود	4
۸۳	برجسته نمایی	stereoscopy	[مهندسی نقشه برداری]	دانش و فناوری ایجاد تصویر ذهنی سه بعدی بر پایه عکس های هم پوش از شیء یا بهره گیری از قابلیت دستگاه بینایی انسان	4
۸۴	پاره چین راست عکس	orthophoto mosaic	[مهندسی نقشه برداری]	پاره چینی که از کنار هم چیدن راست عکس ها تولید می شود	4
۸۵	پاره چین سازی	mosaicking	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تولید پاره چین عکسی	4
۸۶	پاره چین عکسی	photomosaic, photographic mosaic, mosaic 2	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری یکپارچه که از کنار هم چیدن عکس های یک منطقه به دست می آید	4
۸۷	پاره چین عکسی واپایش شده	controlled photomosaic	[مهندسی نقشه برداری]	پاره چینی که از کنار هم چیدن عکس های واپایش شده به دست می آید	4
۸۸	پاره چین عکسی هوایی	aerial mosaic	[مهندسی نقشه برداری]	پاره چینی که از کنار هم چیدن عکس های هوایی تولید می شود	4
۸۹	پاره چین واپایش شده	controlled mosaic	[مهندسی نقشه برداری]	پاره چینی که از کنار هم چیدن عکس های واپایش شده تولید می شود	4
۹۰	پاره چین واپایش نشده	uncontrolled mosaic	[مهندسی نقشه برداری]	پاره چین عکس های هوایی که در آن عکس ها یا از نظر توجیه یا از نظر مقیاس نسبت به نقاط واپایش زمینی تعدیل و تنظیم نشده اند	4
۹۱	پاره چین نواری	strip mosaic	[مهندسی نقشه برداری]	پاره چینی که تنها در بردارنده یک ردیف عکس است یا از کنار هم گذاشتن نوارهای پاره چین	4

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
				تولید شود	
۹۲	پاره‌چین نیمه‌و‌پایش شده	semi-controlled mosaic	[مهندسی نقشه‌برداری]	پاره‌چین عکس‌های هوایی متشکل از عکس‌هایی که به جای نقاط واپایش زمینی نسبت به یک مرجع مختصات دیگر توجیه شده‌اند	4
۹۳	پاره‌چین هوایی		[مهندسی نقشه‌برداری]	← پاره‌چین عکسی هوایی	4
۹۴	تبدیل ۶	stereoplotting, restitution	[مهندسی نقشه‌برداری]	عملیات تصویرسنجی که به کمک دستگاه تبدیل بر پایه برجسته‌بینی انجام می‌شود	4
۹۵	تصویرسنج	photogrammetrist	[مهندسی نقشه‌برداری]	کارشناس و متخصص امور تصویرسنجی	4
۹۶	تصویرسنجی	photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	دانش و فناوری استخراج اطلاعات مربوط به زمین و محیط پیرامون آن از تصاویر گرفته‌شده یا حسگرهای دیگر از طریق اندازه‌گیری و پردازش و تحلیل و نمایش آنها	4
۹۷	تصویرسنجی بُرد کوتاه	close range photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	شاخه‌ای از تصویرسنجی که در آن عکس‌برداری با دوربینی که در فاصله چندمیلی‌متری تا چندصدمتری شیء قرار دارد، انجام می‌شود	4
۹۸	تصویرسنجی پزشکی	medical photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	شاخه‌ای از تصویرسنجی که به اندازه‌گیری و ارزیابی اندام‌های انسان و عوارض مربوط به آنها می‌پردازد	4
۹۹	تصویرسنجی تحلیلی	analytical photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	از روش‌های تصویرسنجی که در آن از شیوه‌های تحلیلی استفاده می‌شود	4
۱۰۰	تصویرسنجی رقمی	digital photogrammetry, soft copy photogrammetry, soft copy	[مهندسی نقشه‌برداری]	شاخه‌ای از تصویرسنجی که در آن تصویر ورودی و داده‌های خروجی و پردازش‌ها رقمی هستند	4
۱۰۱	تصویرسنجی زمینی	terrestrial photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	از روش‌های تصویرسنجی که در آن تصویربرداری از روی زمین انجام می‌شود	4
۱۰۲	تصویرسنجی صنعتی	industrial photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	شاخه‌ای از تصویرسنجی که به اندازه‌گیری دقیق و ارزیابی قطعات و سازه‌ها می‌پردازد	4
۱۰۳	تصویرسنجی فضایی	space photogrammetry, satellite photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	شاخه‌ای از تصویرسنجی که در آن از سکوی فضایی برای عکس‌برداری استفاده می‌شود	4
۱۰۴	تصویرسنجی قیاسی	analogue photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	از روش‌های تصویرسنجی که در آن از دستگاه‌های قیاسی استفاده می‌شود	4
۱۰۵	تصویرسنجی معماری	architectural photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	شاخه‌ای از تصویرسنجی که به اندازه‌گیری و ارزیابی آثار معماری و میراث فرهنگی می‌پردازد	4
۱۰۶	تصویرسنجی نیمه‌تحلیلی	semi-analytical photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	روشی در تصویرسنجی که در آن از دستگاه‌های قیاسی ارتقایافته و مجهز به ابزارهای رایانه‌ای استفاده می‌شود	4
۱۰۷	تصویرسنجی هوایی	aerial photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	شاخه‌ای از تصویرسنجی که در آن از ماهواره یا هواگرد برای عکس‌برداری از زمین استفاده می‌شود	4
۱۰۸	دستگاه تبدیل	stereoplotter, stereoplotting instrument, restitutive instrument, stereoscopic plotter, stereoscopic plotting instrument, photogrammetric plotter, photogrammetric plotting instrument	[مهندسی نقشه‌برداری]	دستگاه ترسیم‌ی که امکان اندازه‌گیری بر روی مدل برجسته را فراهم می‌کند و با ابزار نوری یا مکانیکی یا رقمی این اندازه‌گیری‌ها را به نقشه تبدیل می‌کند	4

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۱۰۹	دستگاه تبدیل تحلیلی	analytical stereoplotter	[مهندسی نقشه برداری]	دستگاه تبدیلی که از روش های تحلیلی برای توجیه و ترسیم عوارض و تولید خطوط تراز استفاده می کند	4
۱۱۰	دستگاه تبدیل خودکار	automatic stereoplotter	[مهندسی نقشه برداری]	دستگاه تبدیلی که در آن از روش های خودکار برای توجیه و ترسیم عوارض و تولید خطوط تراز استفاده می کند	4
۱۱۱	دستگاه تبدیل رقمی	digital stereoplotter	[مهندسی نقشه برداری]	دستگاه تبدیلی که در آن از روش های رقمی برای توجیه و ترسیم عوارض و تولید خطوط تراز استفاده می کنند	4
۱۱۲	دستگاه تبدیل قیاسی	analogue stereoplotter	[مهندسی نقشه برداری]	دستگاه تبدیلی که در آن از ابزارهای مکانیکی و نوری برای توجیه و ترسیم عوارض و تولید خطوط تراز استفاده می کنند	4
۱۱۳	دوری سنج	telemeter	[مهندسی نقشه برداری]	وسیله ای برای اندازه گیری فاصله از راه دور	4
۱۱۴	دوری سنجی	telemetry	[مهندسی نقشه برداری]	اندازه گیری فاصله در هر مکان و ارسال داده ها به مکان دیگر برای استفاده یا تحلیل	4
۱۱۵	زاویه سنج	goniometer	[مهندسی نقشه برداری]	وسیله ای برای اندازه گیری زاویه های افقی	4
۱۱۶	زاویه سنجی	goniometry	[مهندسی نقشه برداری]	روشی مکانیکی برای اندازه گیری زاویه	4
۱۱۷	ساز ۲	LIS	[مهندسی نقشه برداری]	← سامانه اطلاعات زمین	4
۱۱۸	سام	GIS	[مهندسی نقشه برداری]	← سامانه اطلاعات مکانی	4
۱۱۹	سامانه اطلاعات زمین	land information system	[مهندسی نقشه برداری]	سامانه ای اطلاعاتی برای ذخیره سازی و به کارگیری و بازیابی اطلاعات مربوط به نقشه برداری ثبتی و کاربری زمین اخت. ساز ۲ LIS	4
۱۲۰	سامانه اطلاعات مکانی	geospatial information system, spatial information system, geographic information system, geobased information system	[مهندسی نقشه برداری]	سامانه ای رایانه ای برای ایجاد و مدیریت داده های مکانی و اطلاعات توصیفی مرتبط و ذخیره سازی و ویرایش و تلفیق و تحلیل و ارائه اطلاعات مکان مینا اخت. سام GIS	4
۱۲۱	سامانه موقعیت یابی جهانی	global positioning system, GPS 1	[مهندسی نقشه برداری]	سامانه تعیین موقعیت و ناوبری ماهواره ای از نوع غیرفعال	4
۱۲۲	شبکه واپایش	control network, control net	[مهندسی نقشه برداری]	شبکه نقشه برداری که همه نقاط آن نقاط واپایش هستند	4
۱۲۳	شبکه واپایش ارتفاعی	vertical control network	[مهندسی نقشه برداری]	مجموعه ای از نقاط با مختصات ارتفاعی معلوم که برای واپایش عملیات نقشه برداری به کار می رود	4
۱۲۴	شبکه واپایش مسطحاتی	horizontal control network	[مهندسی نقشه برداری]	مجموعه ای از نقاط با مختصات طولی و عرضی معلوم که برای واپایش عملیات نقشه برداری به کار می رود	4
۱۲۵	عکس برداری کاذب رنگ	false colour photography	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی عکس برداری که در آن تصاویر کاذب رنگ تولید می شود	4
۱۲۶	عکس بسیار مایل	high-oblique photograph	[مهندسی نقشه برداری]	عکس مایلی که افق در آن دیده می شود	4
۱۲۷	عکس کمی مایل	low-oblique photograph	[مهندسی نقشه برداری]	عکسی که انحراف مرکز آن در جهت طولی و عرضی نسبت به نقطه پاسو حداکثر ۱۰ درجه باشد	4
۱۲۸	کاذب رنگ	false colour	[مهندسی نقشه برداری]	رنگی که با افزودن آن به تصویر بازه بسامدهایی که به چشم انسان نامرئی هستند، مرئی می شود یا تباین نوریشان تشدید می گردد	4

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۱۲۹	گذر نقطه	pass point	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه‌ای که موقعیت افقی یا عمودی آن با روش‌های تصویرسنجی تعیین شده است و برای توجیه مطلق عکس‌ها به کار می‌رود	4
۱۳۰	گذر نقطه ارتفاعی	vertical pass point	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه‌ای در ناحیه پوشش مشترک عکس‌ها که ارتفاع آن معلوم می‌شود	4
۱۳۱	گذر نقطه مسطحاتی	horizontal pass point	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه‌ای در ناحیه پوشش مشترک عکس‌ها که طول و عرض آن معلوم می‌شود	4
۱۳۲	گره نقطه	tie point	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه‌ای که دو یا چند واحد نقشه برداری یا عکسی را به هم پیوند می‌دهد	4
۱۳۳	موقعیت یاب ۲		[مهندسی نقشه برداری]	← موقعیت یاب جهانی	4
۱۳۴	موقعیت یاب جهانی	GPS receiver	[مهندسی نقشه برداری]	دستگاهی برای اندازه‌گیری فاصله گیرنده از ماهواره‌های متعدد برای تعیین موقعیت آن از طریق محاسبه محل تلاقی بردارهای فواصل مذکور مت. موقعیت یاب ۲	4
۱۳۵	مهندسی نقشه برداری	surveying engineering, geomatics engineering	[مهندسی نقشه برداری]	دانش و فناوری اندازه‌گیری، گردآوری، پردازش، مدل‌سازی، تحلیل، ارائه و مدیریت داده‌های مکانی با هدف تولید نقشه و ایجاد سامانه‌های اطلاعات مکانی بر پایه شاخه‌های ژئودزی، نقشه برداری، تصویرسنجی، نقشه‌نگاری، آب‌نگاری، دورکاوی و سامانه اطلاعات مکانی	4
۱۳۶	نسخه وارسی	check plot 2	[مهندسی نقشه برداری]	نسخه ترسیمی که برای بررسی و تصحیح محتوا یا دقت موقعیت داده‌های رقمی و نقشه به کار می‌رود	4
۱۳۷	نقشه بردار	surveyor	[مهندسی نقشه برداری]	کارشناس و متخصص نقشه برداری	4
۱۳۸	نقشه برداری	surveying	[مهندسی نقشه برداری]	دانش و فناوری اندازه‌گیری و نقشه‌سازی از موقعیت‌های نسبی نقاط و عوارض در سطح زمین یا بالا و زیر آن یا پیاده کردن این عوارض بر پایه مدارک قانونی و فنی	4
۱۳۹	نقشه برداری آب‌نگاشتی	hydrographic surveying	[مهندسی نقشه برداری]	شاخه‌ای از نقشه برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی بستر و کناره آب‌هاست	4
۱۴۰	نقشه برداری زمینی	land surveying	[مهندسی نقشه برداری]	شاخه‌ای از نقشه برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی قسمتی از زمین است	4
۱۴۱	نقشه برداری زیرزمینی	underground surveying	[مهندسی نقشه برداری]	شاخه‌ای از نقشه برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی عوارض درون یا زیر زمین است	4
۱۴۲	نقشه برداری صنعتی	industrial surveying	[مهندسی نقشه برداری]	شاخه‌ای از نقشه برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی از بخش‌های محدود زمین است	4
۱۴۳	نقشه برداری ماهواره‌ای	satellite surveying	[مهندسی نقشه برداری]	شاخه‌ای از نقشه برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی به کمک اطلاعات ماهواره‌ای است	4
۱۴۴	نقشه برداری مسیر	route surveying	[مهندسی نقشه برداری]	شاخه‌ای از نقشه برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی و پیاده‌سازی مسیر راه‌هاست	4
۱۴۵	نقشه برداری معدن	mine surveying	[مهندسی نقشه برداری]	بخشی از نقشه برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی از معادن است	4
۱۴۶	نقشه برداری مهندسی	engineering surveying	[مهندسی نقشه برداری]	شاخه‌ای از نقشه برداری که به کار تدارک اجرای بخش‌هایی از طرح‌های مهندسی می‌پردازد	4
۱۴۷	نقشه برداری هوایی	aerial surveying	[مهندسی نقشه برداری]	بخشی از نقشه برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی به کمک تصویربرداری هوایی است	4
۱۴۸	نقشه پایه	base map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که با افزودن اطلاعات به آن، نقشه‌های دیگری به دست می‌آید	4
۱۴۹	نقشه پایه مسطحاتی	planimetric base map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که برای تهیه نقشه عارضه‌نگاری به کار می‌رود	4
۱۵۰	نقشه دید	visibility map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که نواحی فاقد امکان دید مستقیم را مشخص می‌کند	4

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۱۵۱	نقشه راست عکس	orthophotomap	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که از کنار هم قرار دادن تعدادی راست عکس به صورت تصویر مرکب واحد تهیه می‌شود	4
۱۵۲	نقشه‌ساز موضوعی	Thematic Mapper, TM	[مهندسی نقشه برداری]	نام یکی از حسگرهای ماهواره لندست (Landsat)	4
۱۵۳	نقشه عکسی	photomap	[مهندسی نقشه برداری]	عکس هوایی یا پاره‌چین واپایش شده از عکس‌های ترمیمی که شبکه مرجع، مقیاس‌ها، اسامی مکان‌ها، اطلاعات حاشیه‌ای و سایر اطلاعات و علائم لازم به آن اضافه شده است	4
۱۵۴	نقشه موضوعی	thematic map, topical map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که هدف اصلی آن نمایش اطلاعاتی علاوه بر اطلاعات مربوط به عوارض فیزیکی سطح زمین است	4
۱۵۵	نقشه‌نگار	cartographer	[مهندسی نقشه برداری]	کارشناس و متخصص نقشه‌نگاری	4
۱۵۶	نقشه‌نگاری	cartography	[مهندسی نقشه برداری]	دانش و فناوری تهیه و بررسی نقشه	4
۱۵۷	نقشه‌نگاری رقمی	digital cartography, automated cartography	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تولید نقشه با سامانه رایانه‌ای	4
۱۵۸	نقشه‌نگاری سنتی	traditional cartography, conventional cartography	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی نقشه‌نگاری که با دست انجام می‌شود	4
۱۵۹	نقطه واپایش	control point	[مهندسی نقشه برداری]	مجموعه‌ای از نقطه‌ها با موقعیت افقی یا عمودی معلوم که به‌عنوان مرجع ثابت در تعیین موقعیت و مرتبط کردن عوارض نقشه‌ای یا عکس‌های هوایی یا تصاویر دورکاوی به کار می‌رود	4
۱۶۰	نقطه واپایش ارتفاعی	vertical control point	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه‌ای با مختصات ارتفاعی معلوم که برای کنترل عملیات به کار می‌رود	4
۱۶۱	نقطه واپایش زمینی	ground control point, control station	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه‌ای با مختصات مشخص که در عملیات نقشه‌برداری مرتبط مورد استفاده قرار می‌گیرد	4
۱۶۲	نقطه واپایش عکسی	photo control point, photogrammetric control point	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه قابل تشخیص با مختصات معلوم که برای تعیین مقیاس و توجیه مطلق عکس به کار می‌رود	4
۱۶۳	نقطه واپایش مسطحاتی	horizontal control point	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه‌ای با مختصات طولی و عرضی معلوم که برای واپایش عملیات به کار می‌رود	4
۱۶۴	نقطه وارسی	check point 2	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه‌ای بر روی زمین با موقعیت معلوم برای واپایش جابه‌جایی و سرشکنی و موقعیت	4
۱۶۵	نوار پاره‌چین	mosaic strip	[مهندسی نقشه برداری]	نواری که شامل پاره‌چین عکسی است	4
۱۶۶		automated cartography → digital cartography	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۶۷		control net → control network	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۶۸		control station → ground control point	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۶۹		conventional cartography → traditional cartography	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۷۰		DPW → digital photogrammetric workstation	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۷۱		geobased information system → geospital information system	[مهندسی نقشه برداری]		4

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۱۷۲		geographic information system → geospital information system	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۷۳		geomatics engineering → surveying engineering	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۷۴		GIS → geospatial information system	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۷۵		GPS 1 → global positioning system	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۷۶		mosaic 2 → photomosaic	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۷۷		photogrammetric control point → photo control point	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۷۸		photogrammetric plotter → stereoplotter	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۷۹		photogrammetric plotting instrument → srereoplotter	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۸۰		photographic mosaic → photomosaic	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۸۱		restitution → stereoplotting	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۸۲		restitutive instrument → stereoplotter	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۸۳		satellite photogrammetry → space photogrammetry	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۸۴		soft copy → digital photogrammetry	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۸۵		soft copy photogrammetry → digital photogrammetry	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۸۶		soft copy workstation → digital photogrammetric workstation	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۸۷		soft copy workstation → digital photogrammetric workstation	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۸۸		spatial information system → geospatial information system	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۸۹		stereoplotting instrument → stereoplotter	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۹۰		stereoscopic plotter → stereoplotter	[مهندسی نقشه برداری]		4

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۱۹۱		stereoscopic plotting instrument → stereoplotter	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۹۲		TM → thematic mapper	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۹۳		topical map → thematic map	[مهندسی نقشه برداری]		4
۱۹۴	آشکارساز لبه	edge detector	[مهندسی نقشه برداری]	عملگری برای مشخص کردن آن نواحی از تصویر که تغییر ناگهانی در درجه خاکستری دارند	5
۱۹۵	آشکارسازی لبه	edge detection	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین وجود و آشکارسازی شکل و موقعیت لبه عارضه در یک تصویر	5
۱۹۶	ارتفاع دینامیکی	dynamic elevation, dynamic height	[مهندسی نقشه برداری]	ارتفاعی که از تقسیم عدد ژئوپتانسیل بر مقدار ثابتی از گرانی مرجع به دست می آید	5
۱۹۷	ارتفاع قائم	orthometric elevation, orthometric height, normal height	[مهندسی نقشه برداری]	فاصله هندسی بین زمینوار و نقطه ای در امتداد خط شاقولی که از آن نقطه می گذرد	5
۱۹۸	ایستگاه پیمایش	traverse station 1	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه ای که دستگاه بر روی آن مستقر است و مشاهدات در آنجا انجام می شود	5
۱۹۹	بازنگری نقشه	map revision	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند ایجاد تغییراتی در نقشه موجود برای افزایش درستی آن	5
۲۰۰	بخش بندی تصویر	image segmentation	[مهندسی نقشه برداری]	تجزیه صحنه های تصویر به مناطقی بامعنا	5
۲۰۱	بردار سازی	vectorisation/ vectorization	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تبدیل داده های شطرنجی به داده های برداری	5
۲۰۲	پیمایش باز	open-end traverse, open traverse	[مهندسی نقشه برداری]	پیمایشی که از یک نقطه معلوم شروع می شود، ولی به همان نقطه ختم نمی شود	5
۲۰۳	پیمایش بسته	loop traverse, closed traverse	[مهندسی نقشه برداری]	پیمایشی که از یک ایستگاه شروع و به همان ایستگاه یا ایستگاه هایی که موقعیت نسبی آنها در دیگر نقشه برداری ها تعیین شده است ختم می شود	5
۲۰۴	پیمایش درجه یک	first-order traverse	[مهندسی نقشه برداری]	پیمایشی بسته که با معیارهای جهانی نقاط واپایش درجه یک مطابقت دارد	5
۲۰۵	پیمایش سه بعدی	three dimensional traverse	[مهندسی نقشه برداری]	پیمایشی که در آن هر سه مختصات یک نقطه تعیین می شود	5
۲۰۶	پیمایش مثلثاتی	trigonometric traverse, trig traverse	[مهندسی نقشه برداری]	پیمایشی که در آن طول پهلوها مستقیم اندازه گیری نمی شود، بلکه به کمک روابط مثلثاتی، براساس زوایای اندازه گیری شده، محاسبه می شود	5
۲۰۷	پیمایش نجومی	astronomical traverse	[مهندسی نقشه برداری]	پیمایشی که در آن مختصات جغرافیایی نقاط با استفاده از مشاهدات نجومی محاسبه می شود	5
۲۰۸	تبدیل برداری به شطرنجی	vector to raster conversion, V2R, VtoR	[مهندسی نقشه برداری]	فرایندی که در آن داده های برداری شامل نقاط و خطوط و چندضلعی ها به داده های شطرنجی یعنی خانه های کوچک با مقادیر گسسته تبدیل می شوند	5
۲۰۹	تبدیل شطرنجی به برداری	raster to vector conversion, R2V, RtoV	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تبدیل تصویری متشکل از خانه های شطرنجی به تصویری با داده های برداری	5
۲۱۰	ترازیاب انحراف پذیر	tilting level	[مهندسی نقشه برداری]	وسیله ای که، برخلاف تراز یاب یکپارچه، می توان دوربین آن را به کمک پیچی که در زیر آن قرار دارد، حول محوری افقی بر روی صفحه تراز شونده به دوران درآورد تا خط دید آن افقی شود	5
۲۱۱	جابه جایی ارتفاعی	relief displacement	[مهندسی نقشه برداری]	انحراف نقطه تصویری از نقطه اصلی در هنگامی که نقطه شیئی به موازات محور اپتیکی حرکت داده می شود	5
۲۱۲	جابه جایی کجی	tilt displacement	[مهندسی نقشه برداری]	جابه جایی نقاط تصویری ناشی از کجی عکس	5

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۲۱۳	چندخطی	polyline	[مهندسی نقشه برداری]	خطی متشکل از چندین پاره خط که معمولاً از آن در نقشه نگاری رقمی استفاده می شود	5
۲۱۴	خطای بست پیمایش	error of closure of traverse, misclosure of traverse, closure of traverse	[مهندسی نقشه برداری]	عددی که تفاوت مختصات محاسبه شده از پیمایش با مختصات داده شده نقطه واپایش پیمایش را نشان می دهد	5
۲۱۵	خطای هم راستایی	collimation error	[مهندسی نقشه برداری]	زاویه انحراف بین محور دیدگانی موجود و محور دیدگانی کاملاً تنظیم شده	5
۲۱۶	داده برداری	vector data	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی انتزاع از جهان واقعی که در آن موقعیت داده به شکل مختصات بیان می شود و واحدهای پایه در آن عبارتند از نقطه و خط و چندضلعی	5
۲۱۷	داده شطرنجی	raster data	[مهندسی نقشه برداری]	داده هایی با ساختار شبکه ای خانگی مرکب از شبکه های سطری و ستونی	5
۲۱۸	دایره کجی	tilt cycle	[مهندسی نقشه برداری]	دایره ای در یک عکس کج به مرکز نقطه هم بار (isocentre point) که قطر آن در راستای خط اصلی عکس است	5
۲۱۹	دستگاه مختصات خورشیدمرکز	heliocentric coordinate system, sun-centred coordinate system	[مهندسی نقشه برداری]	دستگاه مختصاتی که مبدأ آن در مرکز خورشید فرض می شود	5
۲۲۰	دستگاه مختصات زمین مرکز	geocentric coordinate system/ geo-centred coordinate system	[مهندسی نقشه برداری]	دستگاه مختصاتی که مبدأ آن در مرکز زمین فرض می شود	5
۲۲۱	روزآمدسازی نقشه	map updating	[مهندسی نقشه برداری]	تکمیل نقشه با استفاده از اطلاعات مفید و به روز	5
۲۲۲	زاویه پیمایش	traverse angle	[مهندسی نقشه برداری]	زاویه افقی بین دو ایستگاه پیمایش مجاور	5
۲۲۳	ساده سازی خط	line simplification	[مهندسی نقشه برداری]	کاستن از نقاط تشکیل دهنده خط با حفظ شکل اساسی آن	5
۲۲۴	سه پهلو بندی	trilateration	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی مثلث بندی که در آن موقعیت نقاط را با اندازه گیری سه پهلوئی مثلث های تشکیل شده بین نقاط تعیین می کنند	5
۲۲۵	سه زاویه بندی	triangulation 1	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی مثلث بندی که در آن موقعیت نقاط را با اندازه گیری زوایای مثلث های تشکیل شده بین نقاط تعیین می کنند	5
۲۲۶	شاقول نوری	optical plummet	[مهندسی نقشه برداری]	دوربینی کوچک با خم نود درجه در ساختمان دستگاه نقشه برداری که به کمک آن کاربر می تواند محور اصلی دستگاه را در امتداد قائم نقطه ایستگاه قرار دهد	5
۲۲۷	شبکه پیمایش	traverse network	[مهندسی نقشه برداری]	شبکه ژئودزی (geodesy) که در آن ایستگاهها با پیمایش تعیین شده اند	5
۲۲۸	شبکه سه پهلو بندی	trilateration network	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی شبکه نقشه برداری که در آن نقاط نقشه برداری با روش سه پهلو بندی تعیین موقعیت شده اند	5
۲۲۹	شبکه مثلث بندی	triangulation network, triangulation net	[مهندسی نقشه برداری]	شبکه ای که در آن ایستگاه های نقشه برداری از رئوس مثلث بندی و اضلاع از فاصله ها یا امتداد های سرشکن شده تشکیل شده اند	5
۲۳۰	شطرنجی سازی	rasterization/ rasterisation	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تبدیل داده های برداری به داده های شطرنجی	5
۲۳۱	شیء فعال	active object	[مهندسی نقشه برداری]	شیئی که توانایی عملکرد مستقل بدون نیاز به یک محرک خارجی را دارد	5
۲۳۲	شیء منفعل	passive object	[مهندسی نقشه برداری]	شیئی که فقط به محرک خارجی واکنش نشان می دهد و به تنهایی نمی تواند عملکردی را آغاز کند	5
۲۳۳	عارضه نگاری	topography	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه برداری عوارض زمین در یک منطقه	5
۲۳۴	عارضه نگاری سطح دریا	sea surface topography	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه برداری عوارض سطح اقیانوس در یک منطقه	5

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۲۳۵	عدسی موازی ساز	collimating lens	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی عدسی که برای موازی ساختن پرتوهای ورودی به سامانه نوری به کار می رود	5
۲۳۶	عملیات خط در چند ضلعی	line-in-polygon operation	[مهندسی نقشه برداری]	فرایندی که در آن مشخص می شود که چه مقدار از خطوط یک مجموعه داده در داخل چند ضلعی های یک مجموعه داده دیگر قرار دارند	5
۲۳۷	عملیات نقطه در چند ضلعی	point-in-polygon operation	[مهندسی نقشه برداری]	عملیات برهم نهی که در آن مشخص می شود چه نقاطی از یک مجموعه داده در داخل چند ضلعی های یک مجموعه داده دیگر قرار دارد	5
۲۳۸	کج	tilted	[مهندسی نقشه برداری]	ویژگی عکس یا محور دستگاه های نقشه برداری که دارای کجی هستند	5
۲۳۹	کجی	tilt 2	[مهندسی نقشه برداری]	زاویه بین محور اصلی دوربین و امتداد شاقولی در هنگام عکس برداری	5
۲۴۰	کجی سنج	tilt meter	[مهندسی نقشه برداری]	ابزاری برای اندازه گیری و ثبت انحراف های کوچک محور مرجع یک وسیله	5
۲۴۱	متر نقشه برداری	surveyor's tape	[مهندسی نقشه برداری]	نوار مدرجی که در نقشه برداری برای اندازه گیری فاصله به کار می رود	5
۲۴۲	مثلث بندی	triangulation 2	[مهندسی نقشه برداری]	روشی در نقشه برداری که در آن برای تعیین مختصات مجموعه ای از نقاط از مثلث های تشکیل شده بین آنها استفاده می کنند	5
۲۴۳	مثلث بندی هوایی	aerial triangulation, aerotriangulation	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین مختصات نقاط زمینی از طریق اندازه گیری بر روی عکس های هم پوشان و به کمک مختصات نقاط زمینی از پیش معلوم	5
۲۴۴	محور هم راستایی	collimation axis	[مهندسی نقشه برداری]	خط گذرنده از عدسی شیئی و عمود بر محور چرخش دوربین	5
۲۴۵	مخزن ۱	magazine	[مهندسی نقشه برداری]	بخشی از دوربین هوایی که فیلم را نگه می دارد و سازوکاری برای حرکت روبه جلوی فیلم دارد	5
۲۴۶	مدل داده برداری	vector data model	[مهندسی نقشه برداری]	بیان انتزاعی از جهان واقع که در آن موقعیت داده ها با مختصات آنها ارائه می شود	5
۲۴۷	مدل داده شطرنجی	raster data model	[مهندسی نقشه برداری]	بیان انتزاعی از جهان واقع که در آن موقعیت داده ها به صورت خانک ارائه می شود	5
۲۴۸	موازی سازی	collimation 1	[مهندسی نقشه برداری]	هم راستا کردن با یک خط یا در یک جهت	5
۲۴۹	نشانگر ۱	index mark, measuring mark, half mark, measuring point, index point	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه ای واقعی بر روی صحنه عکسی یا در فضای شیئی آن که به عنوان نقطه مرجع برای اندازه گیری به صورت تکی در بعضی وسایل یا به صورت جفت در تشکیل نقطه شناور به کار می رود	5
۲۵۰	نقشه ایستا	static map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که اطلاعات مربوط به یک زمان مشخص را ارائه می دهد	5
۲۵۱	نقشه پویا	dynamic map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که در آن رویدادهای در بردارنده حرکت یا عمل با تغییر نمایش داده می شود	5
۲۵۲	نقشه خطی	line map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که در آن برای نمایش عوارض از خطوط استفاده می شود	5
۲۵۳	نقشه عارضه نگاشتی	topographic map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که موقعیت مسطحاتی و ارتفاعی عوارض طبیعی و عوارض ساخت بشر را ارائه می دهد	5
۲۵۴	نقشه مسطحاتی	planimetric map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که در آن تنها موقعیت مسطحاتی عوارض نمایش داده می شود	5
۲۵۵	نقشه نما	sketch map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه دستی ساده که بدون رعایت مقیاس و توجیه شکل، روابط اساسی مکانی را نمایش می دهد	5
۲۵۶	نقطه پیمایش	traverse station 2	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه ای که مختصات آن را با پیمایش تعیین می کنند	5
۲۵۷	نقطه شناور	floating mark, floating point	[مهندسی نقشه برداری]	نشانه ای در فضای سه بعدی که از ترکیب سه بعدی یک جفت عکس تشکیل می شود و در اندازه گیری مدل سه بعدی به عنوان نشانه مرجع به کار می رود	5
۲۵۸	هم راستا ساز	collimator 2	[مهندسی نقشه برداری]	وسيله ای که برای هم راستا سازی محورهای نوری اجزای مختلف یک سامانه نوری مورد	5

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
				استفاده قرار می گیرد	
۲۵۹	همراستاسازی ۲	collimation 2	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند قرار دادن اجزای نوری یک دوربین دقیقاً در یک امتداد	5
۲۶۰		aerotriangulation → aerial triangulation	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۶۱		closed traverse → loop traverse	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۶۲		closure of traverse → error of closure of traverse	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۶۳		dynamic height → dynamic elevation	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۶۴		échappée (fr.) → escape note	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۶۵		floating point → floating mark	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۶۶		geo-centred coordinate system → geocentric coordinate system	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۶۷		half mark → index mark	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۶۸		height displacement → relief displacement	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۶۹		index point → index mark	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۷۰		measuring mark → index mark	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۷۱		measuring point → index mark	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۷۲		misclosure of traverse → error of closure of traverse	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۷۳		normal height → orthometric elevation	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۷۴		open traverse → open-end traverse	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۷۵		orthometric height → orthometric elevation	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۷۶		rasterisation → rasterization	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۷۷		R2V → raster to vector conversion	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۷۸		RtoV → raster to vector conversion	[مهندسی نقشه برداری]		5
۲۷۹		sun-centred coordinate system → helio centric coordinate system	[مهندسی نقشه برداری]		5

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۲۸۰		triangulation net → triangulation network	[مهندسی نقشه برداری]		۵
۲۸۱		trig traverse → trigonometric traverse	[مهندسی نقشه برداری]		۵
۲۸۲		vectorization → vectorisation	[مهندسی نقشه برداری]		۵
۲۸۳		V2R → vector to raster conversion	[مهندسی نقشه برداری]		۵
۲۸۴		VtoR → vector to raster conversion	[مهندسی نقشه برداری]		۵
۲۸۵	خدمات مکان مینا	location based services	[رایانه و فناوری اطلاعات، مهندسی نقشه برداری]	نوعی خدمات در شبکه های بی سیم و همراه برپایه موقعیت جغرافیایی که با در نظر گرفتن مکان کاربر به او ارائه می شود	۵
۲۸۶	اختلاف زمان رسید	time difference of arrival, TDOA	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی روش موقعیت یابی بر مبنای موقعیت یابی هذلولوی با مشاهده اختلاف زمان نشانک های دریافتی از دو ایستگاه مینا	۷
۲۸۷	ارتباط عارضه	feature relationship	[مهندسی نقشه برداری]	رابطه میان مصادیق یک نوع عارضه با سایر مصادیق همان نوع عارضه یا با مصادیق سایر انواع عارضه	۷
۲۸۸	ارتفاع سرشکن شده	adjusted elevation	[مهندسی نقشه برداری]	ارتفاعی که از افزودن تصحیح سرشکنی به ارتفاع قائم به دست می آید	۷
۲۸۹	ارتفاع فشارسنجی	barometric elevation	[مهندسی نقشه برداری]	ارتفاعی که از اندازه گیری فشار جوّی با فشارسنج به دست می آید	۷
۲۹۰	ارتفاع فشارسنجی		[مهندسی نقشه برداری]	← ارتفاع فشارسنجی	۷
۲۹۱	ارتفاع یابی مثلثاتی		[مهندسی نقشه برداری]	← تراز یابی مثلثاتی	۷
۲۹۲	استخراج عارضه	feature extraction	[مهندسی نقشه برداری]	گزینش جنبه های مهم یک تصویر رقومی به عنوان راهنمای همتایابی تصویر و بازشناسی الگو	۷
۲۹۳	اطلاعات توصیفی	attribute 1	[مهندسی نقشه برداری]	مشخصه یا خصیصه یا کیفیت یک عارضه مکانی	۷
۲۹۴	ایستگاه برداشت	survey station	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه ای که در آن یا از آن مشاهدات لازم برای برداشت انجام می شود	۷
۲۹۵	باز برداشت ۱	resurvey	[مهندسی نقشه برداری]	ردیابی خطوط آخرین برداشت در محل به نحوی که همه نقاط یافته شده پیشین تثبیت شوند و به عنوان نقاط واپایش مورد استفاده قرار گیرند	۷
۲۹۶	برداشت ۱	survey 1	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تعیین موقعیت و وسعت و منحنی تراز یک منطقه که معمولاً برای تهیه نقشه انجام می شود	۷
۲۹۷	برداشت آب نگاشتی	hydrographic survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که هدف اصلی آن تعیین اطلاعات مربوط به آب هاست	۷
۲۹۸	برداشت امتدادی	lineal survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که در یک امتداد مشخص انجام می شود	۷
۲۹۹	برداشت بازنگری	revisory survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که هدف از آن بازنگری و به روز کردن نقشه است	۷
۳۰۰	برداشت بزرگ مقیاس	large scale survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشت آب نگاشتی در مقیاس بزرگ	۷
۳۰۱	برداشت تخته سه پایه ای	planetable survey	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی برداشت عارضه نگاشتی که در آن از تخته سه پایه و راستایاب استفاده می شود	۷

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۳۰۲	برداشت تصویرسنجشی	photogrammetric survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که از طریق تصویرسنجی انجام می شود مت. برداشت تصویرسنجی	7
۳۰۳	برداشت تصویرسنجی		[مهندسی نقشه برداری]	← برداشت تصویرسنجی	7
۳۰۴	برداشت تفصیلی	detailed survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که در آن عوارض کوچک موجود در منطقه نیز در نظر گرفته می شود	7
۳۰۵	برداشت تکمیلی	field-completion survey, field completion, completion survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشت یا بازبینی میدانی برای تکمیل نقشه ای که بخشی از اطلاعات آن براساس عکس های هوایی تهیه می شود	7
۳۰۶	برداشت درجه یک	first-order survey, primary survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که با بیشترین دقت و درستی ممکن انجام می شود	7
۳۰۷	برداشت روستایی	rural survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که از زمین های غیرمسکونی، مانند مزارع و اراضی خارج از شهر انجام می شود	7
۳۰۸	برداشت ساخته ها	as-built survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که پس از تکمیل ساخت، برای یافتن نقاط جدید واپایش مسطحاتی و ارتفاعی و نیز تعیین موقعیت و پیشرفت سازه انجام می شود	7
۳۰۹	برداشت شناسایی	reconnaissance survey	[مهندسی نقشه برداری]	← برداشت مقدماتی	7
۳۱۰	برداشت شهرساختی	town-site survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که برای مشخص کردن راه ها و تقاطع های بخش یا بخش هایی از شهر انجام می شود و با استفاده از آن هر بخش به بلوک و خیابان و کوچه تقسیم می شود مت. برداشت شهرسازی	7
۳۱۱	برداشت شهرسازی		[مهندسی نقشه برداری]	← برداشت شهرساختی	7
۳۱۲	برداشت شهری	urban survey, city survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشت مربوط به یک شهر و حومه آن	7
۳۱۳	برداشت عارضه نگاشتی	topographic survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که برای تعیین پستی و بلندی و تعیین موقعیت عوارض طبیعی و غیرطبیعی زمین انجام می شود	7
۳۱۴	برداشت عکسی	photographic survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که با استفاده از عکس های هوایی یا زمینی انجام می شود	7
۳۱۵	برداشت قضایی	judicial survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که به حکم دادگاه برای رفع اختلاف ملکی انجام می شود	7
۳۱۶	برداشت کاوشی	exploratory survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که برای به دست آوردن اطلاعات عمومی درباره منطقه ای که سوابقی از آن موجود نیست انجام می شود	7
۳۱۷	برداشت معیار	standard survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشت براساس ملاک های از پیش تعریف شده مقیاس و درستی و محتوا	7
۳۱۸	برداشت مغناطیسی	magnetic survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که برای تعیین شدت و جهت میدان مغناطیسی زمین در نقاط مشخصی از سطح زمین انجام می شود	7
۳۱۹	برداشت مقدماتی	preliminary survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که هدف از آن جمع آوری داده های لازم برای شناسایی طرح پیشنهادی است مت. برداشت شناسایی reconnaissance survey	7
۳۲۰	برداشت ناحیه ای	areal survey, area survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که تمام ایستگاه های یک منطقه را در بر می گیرد	7
۳۲۱	برداشت نیمه شهری	suburban survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که از اراضی واقع در خارج شهر و مناطق کم تراکم انجام می شود	7
۳۲۲	برداشت وابسته	dependent survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که در آن مختصات برخی نقاط، بدون هیچ تغییر، عیناً از برداشت های موجود	7

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
				استخراج می شود	
۳۲۳	برداشت هوایی	aerial survey 1, aerosurvey, air survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که با هواگرد و به کمک عکس برداری هوایی انجام می شود	7
۳۲۴	پرتی	crab	[مهندسی نقشه برداری]	حالتی که در آن امتداد لبه های عکس هوایی موازی با یا عمود بر مسیر از پیش تعیین شده پرواز باقی نمی ماند	7
۳۲۵	تخته سه پایه	plane table/ planetable	[مهندسی نقشه برداری]	تخته رسمی که همراه با یک راستایاب برای برداشتهای نقشه برداری بر یک سه پایه استوار می شود	7
۳۲۶	تراز آزاد	striding level, stride level	[مهندسی نقشه برداری]	ترازی که موازی با محور افقی دستگاه نقشه برداری بر روی آن قرار داده می شود و از آن برای اندازه گیری انحراف محور افقی نسبت به صفحه افق استفاده می کنند	7
۳۲۷	تراز استوانه ای	cylindrical level	[مهندسی نقشه برداری]	ترازی حباب دار به شکل استوانه	7
۳۲۸	تراز صفحه ای	plate level	[مهندسی نقشه برداری]	ترازی که بر روی صفحه تکیه گاه دستگاه نقشه برداری نصب می شود و برای تراز کردن دستگاه یا قائم قرار دادن محور آن به کار می رود	7
۳۲۹	تراز کروی	circular level, universal level, spherical level	[مهندسی نقشه برداری]	ترازی که سطح زیرین آن کروی است و حباب داخل آن دایره است	7
۳۳۰	تراز لویبایی	coincidence level	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی تراز استوانه ای که در آن تصویرهای دو لبه حباب با استفاده از یک سامانه منشوری در مقابل هم دیده می شوند	7
۳۳۱	ترازیاب خودتنظیم	self-adjusting level, self-aligning level	[مهندسی نقشه برداری]	← ترازیاب خودکار	7
۳۳۲	ترازیاب خودکار	automatic level, automatic levelling instrument	[مهندسی نقشه برداری]	ترازیابی مجهز به یک سامانه تصحیح کننده که وقتی دستگاه تا حدی از تنظیم تراز خارج شده باشد، سبب می شود خط دید به طور خودکار افقی باقی بماند مت. ترازیاب خودتنظیم self-adjusting level, self-aligning level	7
۳۳۳	ترازیابی درجه یک	first-order levelling	[مهندسی نقشه برداری]	← ترازیابی دقیق	7
۳۳۴	ترازیابی دقیق	precise levelling, levelling of high precision	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی ترازیابی که با دقت و سرشکنی مکرر و واسنجی تجهیزات انجام می شود مت. ترازیابی درجه یک first-order levelling	7
۳۳۵	ترازیابی غیرمستقیم	indirect levelling	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین اختلاف ارتفاع با استفاده از هر روشی غیر از روش ترازیابی مستقیم	7
۳۳۶	ترازیاب یکپارچه	dumpy level, dumpy levelling instrument	[مهندسی نقشه برداری]	ترازیابی که دوربین آن به طور ثابت به صفحه پایه دستگاه متصل است	7
۳۳۷	ترازیابی مثلثاتی	trigonometric levelling, trig levelling	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین اختلاف ارتفاع با اندازه گیری زوایای قائم بین نقاط مت. ارتفاع یابی مثلثاتی trigonometric heighting زاویه یابی قائم vertical angulation	7
۳۳۸	ترازیابی مستقیم	direct levelling	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین اختلاف ارتفاع با استفاده از ترازیاب و مشاهده مستقیم درجات روی چوبه ترازیابی	7
۳۳۹	توجیه ۳	orientation 2	[مهندسی نقشه برداری]	قرار دادن عکس یا نقشه یا مدل به صورتی که همه امتدادها با امتدادهای نظیر شیء یا موضع مورد نظر موازی باشد	7
۳۴۰	توجیه بیرونی	outer orientation, exterior orientation	[مهندسی نقشه برداری]	بازیابی موقعیت و جهت دوربین در لحظه عکس برداری	7
۳۴۱	توجیه درونی	inner orientation, interior orientation	[مهندسی نقشه برداری]	بازیابی دقیق فاصله کانونی و مختصات نقطه اصلی دوربین و مقادیر تابیدگی های شعاعی و مماسی عدسی	7

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۳۴۲	توجیه مطلق	absolute orientation	[مهندسی نقشه برداری]	مقیاس گذاری و تراز کردن و توجیه یک یا چند مدل برجسته متناسب با نقاط واپایش زمینی	7
۳۴۳	توجیه نسبی	relative orientation	[مهندسی نقشه برداری]	قرار دادن یک جفت عکس هم پوش در موقعیت و وضعیت صحیح نسبت به یکدیگر	7
۳۴۴	جابه جایی عارضه	feature displacement	[مهندسی نقشه برداری]	تغییر دادن جای عوارض نقشه برای جلوگیری از تداخل با سایر عوارض یا روی هم چاپ شدن آنها	7
۳۴۵	جبر نقشه	map algebra	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی مدل سازی با استفاده از فرایندهای جمع و تفریق و ضرب و تقسیم نقشه ها با بهره گیری از عملگرهای ریاضی برای ترکیب دو یا چند نقشه مت. مدل سازی نقشه نگاشتی cartographic modelling	7
۳۴۶	جدول اطلاعات توصیفی عارضه	feature attribute table	[مهندسی نقشه برداری]	جدولی حاوی اطلاعات مربوط به یک طبقه عارضه مشخص	7
۳۴۷	حباب انطباقی	coincidence bubble	[مهندسی نقشه برداری]	حبابی که مرکزی شدن آن با انطباق تصاویر دو لبه آن بر هم مشخص می شود	7
۳۴۸	حساسیت تراز	sensibility of spirit level, sensitivity of spirit level	[مهندسی نقشه برداری]	میزان دقت تراز که به شعاع انحنای استوانه شیشه ای تراز بستگی دارد	7
۳۴۹	خط اصلی ۲	principal line	[مهندسی نقشه برداری]	خطی که از نقطه اصلی عکس و نقطه پاسوی (nadir point) آن عبور می کند	7
۳۵۰	خط پایه	base line/ baseline	[مهندسی نقشه برداری]	خطی فرضی که دو نقطه را به هم وصل می کند و مبنای اندازه گیری محسوب می شود مت. خط مبنا	7
۳۵۱	خط مبنا		[مهندسی نقشه برداری]	← خط پایه	7
۳۵۲	دایره مدرج افقی	horizontal circle	[مهندسی نقشه برداری]	دایره مدرجی که برای اندازه گیری زاویه افقی در بعضی از دستگاه های نقشه برداری نظیر زاویه یاب، عمود بر محور اصلی دستگاه قرار دارد	7
۳۵۳	دایره مدرج قائم	vertical circle	[مهندسی نقشه برداری]	دایره مدرجی که برای اندازه گیری زاویه قائم در بعضی از دستگاه های نقشه برداری نظیر زاویه یاب، عمود بر محور افقی دستگاه قرار دارد	7
۳۵۴	دورنقشه نگاری	telecartography	[مهندسی نقشه برداری]	توزیع نماهای نقشه نگاشتی از طریق رابط های انتقال داده بی سیم و تجهیزات هوایی	7
۳۵۵	دورنقشه نگاشتی	telecartographic	[مهندسی نقشه برداری]	مربوط به فناوری و تجهیزات دورنقشه نگاری	7
۳۵۶	دید جلو	foresight 2	[مهندسی نقشه برداری]	قرائت چوبه ترازبایی بر روی نقطه بعدی، یعنی نقطه ای که قرار است ارتفاع آن تعیین شود	7
۳۵۷	دید عقب	backsight/ back sight	[مهندسی نقشه برداری]	قرائت چوبه ترازبایی بر روی نقطه ای که قبلاً قرائت شده است	7
۳۵۸	راستایاب	alidade	[مهندسی نقشه برداری]	بخشی از دوربین نقشه برداری که شامل افزاره نشان روی و ضمایم مربوط به قرائت و ثبت داده هاست	7
۳۵۹	رفع ابهام	ambiguity resolution	[مهندسی نقشه برداری]	روند محاسباتی یا الگوریتم/ خوارزمی تعیین مقدار ابهام	7
۳۶۰	زاویه پرتی	crab angle, angle of crab	[مهندسی نقشه برداری]	کوچک ترین زاویه میان خط پرواز و کناره ای از عکس که به راستای خط پرواز نزدیک تر است	7
۳۶۱	زاویه یابی قائم	vertical angulation	[مهندسی نقشه برداری]	← ترازبایی مثلثاتی	7
۳۶۲	سامانه ناوبری برداشت	survey navigation system	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی سامانه ناوبری برای ناوبری و برداشت هوایی	7
۳۶۳	سویه ۱	bearing of line, bearing 1	[مهندسی نقشه برداری]	زاویه افقی یک امتداد با نصف النهار مرجع در ربعی که در آن قرار دارد	7

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۳۶۴	سویه مغناطیسی	magnetic bearing	[مهندسی نقشه برداری]	زاویه‌ای که نسبت به شمال و جنوب مغناطیسی سنجیده می‌شود و با قید شرقی یا غربی نسبت به نصف‌النهار بیان می‌شود	۷
۳۶۵	شبکه برداشت	survey network, survey net	[مهندسی نقشه برداری]	شبکه‌ای که رئوس آن ایستگاه‌های برداشت است	۷
۳۶۶	شبه فاصله	pseudorange	[مهندسی نقشه برداری]	فاصله واقعی به علاوه یا منهای مقدار اندکی فاصله جبرانی برای اصلاح خطای زمان سنجی گیرنده	۷
۳۶۷	شبه فاصله یابی	pseudorangeing	[مهندسی نقشه برداری]	اندازه گیری شبه فاصله	۷
۳۶۸	شناسه عارضه	feature identifier	[مهندسی نقشه برداری]	شناسه‌ای یکتا برای بازشناسی هر عارضه	۷
۳۶۹	طبقه اطلاعات توصیفی	attribute class	[مهندسی نقشه برداری]	گروه مشخصی از اطلاعات توصیفی	۷
۳۷۰	طبقه برداشت	survey class	[مهندسی نقشه برداری]	دسته‌ای از برداشتها که در برخی معیارهای مشخص دارای اشتراکاتی باشند	۷
۳۷۱	عارضه	feature 2	[مهندسی نقشه برداری]	مجموعه‌ای از نقاط و خطوط و چندضلعی‌ها در پایگاه داده‌های مکانی که بیانگر یک شیء در جهان واقعی است	۷
۳۷۲	عارضه آب‌نگاشتی	hydrographic feature	[مهندسی نقشه برداری]	عارضه واقع در کرانه به نحوی که بخش‌هایی از آن در زیر آب باشد	۷
۳۷۳	عارضه خطی	linear feature, line feature	[مهندسی نقشه برداری]	عارضه‌ای مکانی که به صورت یک خط یا مجموعه‌ای از خطوط نمایش داده می‌شود	۷
۳۷۴	عارضه سطحی	areal feature, area feature	[مهندسی نقشه برداری]	شکلی بسته که محدوده داخل آن سطحی همگن دارد	۷
۳۷۵	عارضه طبیعی	natural feature	[مهندسی نقشه برداری]	عارضه‌ای که ساخته دست انسان نیست	۷
۳۷۶	عارضه مصنوعی	man-made feature, culture 1, cultural feature	[مهندسی نقشه برداری]	عارضه‌ای بر روی زمین که به دست انسان ساخته شده است	۷
۳۷۷	عارضه نقشه	map feature	[مهندسی نقشه برداری]	← عارضه نقشه‌نگاشتی	۷
۳۷۸	عارضه نقشه برداشتی	topographic feature	[مهندسی نقشه برداری]	عارضه بارز یا بخش مهمی از سطح زمین که در نقشه عارضه‌نگاشتی نشان داده می‌شود	۷
۳۷۹	عارضه نقشه‌نگاشتی	cartographic feature	[مهندسی نقشه برداری]	هر عارضه طبیعی یا مصنوعی که بر روی نقشه نمایش داده شده است مت. عارضه نقشه map feature	۷
۳۸۰	عارضه نقطه‌ای	point feature	[مهندسی نقشه برداری]	عارضه‌ای که نشان‌دهنده یک موقعیت منفرد است	۷
۳۸۱	عدد صحیح ابهام	integer ambiguity	[مهندسی نقشه برداری]	← ابهام	۷
۳۸۲	علامت برداشت	survey marker, marker 1, mark 1	[مهندسی نقشه برداری]	نشانه‌ای که برای مشخص کردن ایستگاه برداشت در محل مورد نظر نصب می‌شود	۷
۳۸۳	فرازای ظاهری	apparent altitude	[مهندسی نقشه برداری]	فرازای زاویه‌ای یک چرم سماوی	۷
۳۸۴	فرازای مداری	orbital altitude	[مهندسی نقشه برداری]	فرازای متوسط یک ماهواره از سطح زمین	۷
۳۸۵	فرازای مطلق	absolute altitude	[مهندسی نقشه برداری]	فرازای یک سیاره یا قمر از زمین	۷

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۳۸۶	فضای عارضه	feature space	[مهندسی نقشه برداری]	فضای نظری چندبُعدی شامل چند شیء شطرنجی	۷
۳۸۷	کد اطلاعات توصیفی	attribute code	[مهندسی نقشه برداری]	شناسهٔ حرفی عددی اطلاعات توصیفی	۷
۳۸۸	کُد عارضه	feature code	[مهندسی نقشه برداری]	شناسهٔ حرفی عددی برای توصیف یا طبقه‌بندی عارضهٔ جغرافیایی یا مکانی	۷
۳۸۹	مبنای ارتفاعی	elevation datum	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه یا سطح ترازوی که از آن به‌عنوان مرجع اندازه‌گیری ارتفاع استفاده می‌شود	۷
۳۹۰	مدل‌سازی نقشه‌نگاشتی	cartographic modelling	[مهندسی نقشه برداری]	← جبر نقشه	۷
۳۹۱	ناوبری برداشت	survey navigation	[مهندسی نقشه برداری]	ناوبری هوایی که بخشی از فرایند برداشت هوایی است	۷
۳۹۲	نشانه برداشت	survey signal	[مهندسی نقشه برداری]	یک شیء یا عارضهٔ طبیعی یا ساختهٔ مصنوع با موقعیت معلوم که به‌وضوح و با سهولت قابل مشاهده باشد	۷
۳۹۳		aerosurvey → aerial survey	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۳۹۴		air survey → aerial survey	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۳۹۵		angle of crab → crab angle	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۳۹۶		area feature → areal feature	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۳۹۷		area survey → areal survey	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۳۹۸		automatic levelling instrument → automatic level	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۳۹۹		back sight → backsight	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۴۰۰		baseline → base line	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۴۰۱		bearing 1 → bearing of line	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۴۰۲		city survey → urban survey	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۴۰۳		completion survey → field-completion survey	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۴۰۴		cultural feature → man-made feature	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۴۰۵		culture 1 → man- made feature	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۴۰۶		dummy levelling instrument → dummy level	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۴۰۷		exterior orientation → outer orientation	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۴۰۸		field completion → field-completion survey	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۴۰۹		interior orientation → inner orientation	[مهندسی نقشه برداری]		۷

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۴۱۰		levelling of high precision → precise levelling	[مهندسی نقشه برداری]		7
۴۱۱		line feature → linear feature	[مهندسی نقشه برداری]		7
۴۱۲		mark 1 → survey marker	[مهندسی نقشه برداری]		7
۴۱۳		marker 1 → survey marker	[مهندسی نقشه برداری]		7
۴۱۴		planetable → plane table	[مهندسی نقشه برداری]		7
۴۱۵		planetable → plane table	[مهندسی نقشه برداری]		7
۴۱۶		plane-table survey → planetable survey	[مهندسی نقشه برداری]		7
۴۱۷		primary survey → first-order survey	[مهندسی نقشه برداری]		7
۴۱۸		self-aligning level → self-adjusting level	[مهندسی نقشه برداری]		7
۴۱۹		sensitivity of spirit level → sensibility of spirit level	[مهندسی نقشه برداری]		7
۴۲۰		spherical level → circular level	[مهندسی نقشه برداری]		7
۴۲۱		stride level → striding level	[مهندسی نقشه برداری]		7
۴۲۲		survey net → survey network	[مهندسی نقشه برداری]		7
۴۲۳		TDOA → time difference of arrival	[مهندسی نقشه برداری]		7
۴۲۴		trig levelling → trigonometric levelling	[مهندسی نقشه برداری]		7
۴۲۵		universal level → circular level	[مهندسی نقشه برداری]		7
۴۲۶	ابهام	ambiguity	[زبان‌شناسی، مهندسی نقشه برداری]	[زبان‌شناسی] وضعیت ناظر بر واژه یا جمله‌ای که بیش از یک معنی دارد [مهندسی نقشه برداری] عدد صحیح طول موج در فاصله بین فرستنده و گیرنده مت. عدد صحیح ابهام integer ambiguity	7
۴۲۷	خط دید	line of sight, LOS	[علوم جَوّ، مهندسی نقشه برداری، نجوم رصدی و آشکارسازها]	[علوم جَوّ، نجوم رصدی و آشکارسازها] خطی فرضی نشانگر سیر پرتو نور از هدف به چشم [مهندسی نقشه برداری] خطی فرضی بین نشانه واقع بر تارک عدسی و نقطه گرهی عقبی عدسی شیئی دوربین	7
۴۲۸	حدنگاری چندمنظوره	multipurpose cadastre	[عمومی، مهندسی نقشه برداری]	نوعی حدنگاری که دربردارنده یک شبکه زمین‌سنجشی (geodetic) شامل چهار مؤلفه است: الف) رشته‌ای از نقشه‌های روزآمد و درست و بزرگ‌مقیاس؛ ب) نقشه حاصل از تطبیق همه قطعات ملکی؛ ج) شناسه‌ای یگانه برای هر قطعه؛ د) مجموعه‌ای از پرونده‌های مربوط به داده‌های زمین	7
۴۲۹	آزمون نقشه	map test	[مهندسی نقشه برداری]	هر شیوه‌ای که برای آزمون یا بازبینی درستی نقشه به کار رود	8
۴۳۰	برگ نقشه	map sheet	[مهندسی نقشه برداری]	یک ورق نقشه از یک رشته نقشه (map series)	8

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۴۳۱	تبدیل نقشه	map transformation	[مهندسی نقشه برداری]	روشی محاسباتی برای تبدیل دستگاه مختصات یک تصویر یا نقشه به یک دستگاه مختصات دیگر	۸
۴۳۲	دگرشکلی نقشه	map deformation	[مهندسی نقشه برداری]	← واپیچش نقشه	۸
۴۳۳	دوربین تصویرسنجی	photogrammetric camera	[مهندسی نقشه برداری]	دوربینی که برای تصویرسنجی به کار می‌رود	۸
۴۳۴	دوربین زمینی	terrestrial camera	[مهندسی نقشه برداری]	دوربینی که برای عکس برداری از روی زمین طراحی شده است	۸
۴۳۵	دوربین نقشه برداری	surveying camera	[مهندسی نقشه برداری]	← دوربین نقشه سازی	۸
۴۳۶	دوربین نقشه سازی	mapping camera	[مهندسی نقشه برداری]	دوربینی که برای عکس برداری در نقشه سازی به کار می‌رود مت. دوربین نقشه برداری surveying camera	۸
۴۳۷	دوربین هوایی	aerial camera	[مهندسی نقشه برداری]	دوربینی که برای عکس برداری در هواگرد طراحی شده است	۸
۴۳۸	روی نقشه	map face	[مهندسی نقشه برداری]	سوئی از برگ نقشه که نقشه بر روی آن چاپ شده است	۸
۴۳۹	سرشکنی نقشه	map adjustment	[مهندسی نقشه برداری]	هر تغییر در موقعیت افقی عوارض نقشه برای منطبق کردن آن با نقاط واپایش معین یا انتقال آن به شبکه‌ای با مقیاس مشخص	۸
۴۴۰	شبکه بندی نقشه	map grid	[مهندسی نقشه برداری]	شبکه‌ای که برای فراهم کردن یک دستگاه مختصات مناسب بر روی نقشه افکنده می‌شود	۸
۴۴۱	عدد مقیاس	scale number	[مهندسی نقشه برداری]	مخرج یک مقیاس کسری	۸
۴۴۲	عکس برداری نقشه سازی	mapping photography, cartographic photography	[مهندسی نقشه برداری]	عکس برداری به منظور نقشه سازی	۸
۴۴۳	مقیاس اسمی	nominal scale	[مهندسی نقشه برداری]	← مقیاس اصلی	۸
۴۴۴	مقیاس اصلی	principal scale	[مهندسی نقشه برداری]	مقیاس کره ساده شده‌ای برای توصیف بیضوی زمین که معادل نسبت شعاع‌های آن دو به یکدیگر است مت. مقیاس اسمی nominal scale	۸
۴۴۵	مقیاس توصیفی	verbal map scale	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت یک فاصله کوتاه بر روی نقشه به همان فاصله بر روی بیضوی زمین که با یک جمله بیان می‌شود	۸
۴۴۶	مقیاس سرعت	speed scale	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی مقیاس ترسیمی که با استفاده از آن می‌توان آهنگ سرعت کشتی برداشت یا مسافتی را که در یک زمان مشخص طی کرده است به راحتی تعیین کرد	۸
۴۴۷	مقیاس طبیعی	natural scale	[مهندسی نقشه برداری]	← مقیاس عددی	۸
۴۴۸	مقیاس عددی	numerical scale	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت ابعاد خطی نقشه به ابعاد خطی واقعی بیان شده مت. مقیاس طبیعی natural scale مقیاس کسری fractional scale	۸
۴۴۹	مقیاس عرضی	latitude scale	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی مقیاس ترسیمی که در آن کناره‌های شرقی و غربی نقشه برحسب درجه و دقیقه تقسیم بندی می‌شود	۸
۴۵۰	مقیاس کسری	fractional scale	[مهندسی نقشه برداری]	← مقیاس عددی	۸
۴۵۱	مقیاس کناری	border scale	[مهندسی نقشه برداری]	مقیاسی که در امتداد لبه نقشه رسم می‌شود	۸
۴۵۲	مقیاس لگاریتمی	logarithmic scale	[مهندسی نقشه برداری]	مقیاسی که براساس لگاریتم اعداد هم فاصله پایی مدرج شده باشد	۸

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۴۵۳	مقیاس معادل	equivalent scale	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت فاصله کوتاهی بر روی نقشه به فاصله نظیر آن بر روی زمین	۸
۴۵۴	مقیاس نسبی	relative scale	[مهندسی نقشه برداری]	← مقیاس ویژه	۸
۴۵۵	مقیاس نقشه	map scale	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت فاصله میان دو نقطه بر روی نقشه به فاصله همان دو نقطه بر روی زمین	۸
۴۵۶	مقیاس ویژه	particular scale	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت یک فاصله بسیار کوتاه بر روی نقشه در هر نقطه و در هر جهت به طول بیضوی که در تهیه نقشه از آن استفاده شده است مت. مقیاس نسبی relative scale	۸
۴۵۷	نقشه اختصاصی	arbitrary map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که به سفارش یک شرکت یا سازمان خاص برای مقاصد خاص تهیه می‌شود	۸
۴۵۸	نقشه برجسته	relief map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که پستی و بلندی‌های یک ناحیه را با برآمدگی و فرورفتگی نسبی سطح نقشه منعکس می‌کند	۸
۴۵۹	نقشه بزرگ مقیاس	large-scale map	[مهندسی نقشه برداری]	عموماً نقشه‌ای که در مقیاس ۱:۱۰۰۰۰ تا ۱:۵۰۰ باشد	۸
۴۶۰	نقشه بومی	native map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه یک منطقه که کشوری دیگر از طریق نهادهای دولتی یا خصوصی خود تهیه می‌کند	۸
۴۶۱	نقشه پیش‌نگاشت	manuscript map	[مهندسی نقشه برداری]	طرح اولیه نقشه که از منابع مختلف مانند برداشت زمینی یا عکس هوایی تألیف و تهیه می‌شود	۸
۴۶۲	نقشه ترکیبی	composite map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که از ترکیب دو یا چند نقشه با محدوده جغرافیایی و دستگاه مختصات مرجع واحد به دست می‌آید	۸
۴۶۳	نقشه تصویرسنجی	photogrammetric map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه عارضه‌نگاشتی که با تصویرسنجی و استفاده از عکس‌های هوایی و نقاط واپایش زمینی تهیه می‌شود مت. نقشه تصویرسنجی	۸
۴۶۴	نقشه تصویرسنجی		[مهندسی نقشه برداری]	← نقشه تصویرسنجی	۸
۴۶۵	نقشه چندوجهی	polyhedric map, polyhedral map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه زمین یا یک جسم کروی بر سطح یک چندوجهی بسته	۸
۴۶۶	نقشه خاص منظوره	special-purpose map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که برای یک منظور ویژه طراحی می‌شود	۸
۴۶۷	نقشه راهنما	index map, key map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که نشان می‌دهد مجموعه اطلاعات مرتبط با هم مانند نقشه‌های مختلف و عکس‌های هوایی و داده‌های آماری و اطلاعات توصیفی زمین در کجا یافت می‌شود	۸
۴۶۸	نقشه راهنمای عکسی	photographic index map, photo index map, photo index	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه راهنمایی که سطح پوشش داده‌شده در هر عکس را با یک مجموعه عکس از آن منطقه نشان می‌دهد	۸
۴۶۹	نقشه رسمی	official map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که حریم معابر یا دیگر زمین‌های شهری را در حال و آینده نشان می‌دهد و مراجع دولتی و قضایی آن را به رسمیت می‌شناسند	۸
۴۷۰	نقشه رقمی	digital map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که در واقع به صورت مجموعه‌ای از ارقام است و کاربرد رایانه‌ای دارد	۸
۴۷۱	نقشه زمینوار	geoidal map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که ارتفاع زمینوار را نسبت به بیضوی مرجع با استفاده از منحنی میزان نشان می‌دهد	۸
۴۷۲	نقشه‌سازی تصویرسنجی	photogrammetric mapping	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی نقشه‌سازی که در آن منبع اصلی داده‌ها عکس است مت. نقشه‌سازی تصویرسنجی	۸
۴۷۳	نقشه‌سازی تصویرسنجی		[مهندسی نقشه برداری]	← نقشه‌سازی تصویرسنجی	۸
۴۷۴	نقشه‌سازی ساحلی	coastal mapping	[مهندسی نقشه برداری]	تهیه نقشه از ناحیه ساحلی	۸
۴۷۵	نقشه‌سازی هم‌مقدار	isoplethic mapping, isopleth mapping, isarithmic mapping	[مهندسی نقشه برداری]	تهیه نقشه‌ای که در آن یک کمیت با مقادیر هم‌ارز در نقشه نشان داده می‌شود	۸

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۴۷۶	نقشه‌سازی هوایی	aerial mapping	[مهندسی نقشه‌برداری]	تهیه نقشه با استفاده از عکس‌های هوایی	۸
۴۷۷	نقشه شدآمد	traffic-circulation map, circulation map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که در آن مسیرهای اصلی و مسیرهای جانشین برای تنظیم شدآمد نشان داده می‌شود	۸
۴۷۸	نقشه شناسایی	reconnaissance map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که در آن اطلاعات به‌دست‌آمده از برداشت شناسایی و داده‌های به‌دست‌آمده از دیگر منابع یکجا عرضه می‌شود	۸
۴۷۹	نقشه شهری	urban map, city map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه یک شهر یا منطقه شهری	۸
۴۸۰	نقشه طبقه‌بندی زمین	land-classification map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که در آن انواع خاک و سنگ با سایه یا رنگ خاص نشان داده می‌شود	۸
۴۸۱	نقشه طبیعی	physical map 1	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که در آن سطح زمین و کف اقیانوس‌ها و برجستگی‌ها، و نیز پدیده‌های طبیعی مانند جریان‌های اقیانوسی و باتلاق‌ها و کویرها نشان داده می‌شود	۸
۴۸۲	نقشه طبیعی‌مصور	physiographic pictorial map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که در آن عوارض با استفاده از نظام‌مند از مجموعه‌ای استاندارد شامل علائم و نگاره‌های قراردادی و براساس تصویر ساده‌شده آن عوارض نشان داده می‌شود	۸
۴۸۳	نقشه عام‌منظوره	general-purpose map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که گستره وسیعی از اطلاعات مورد نیاز کاربران مختلف را ارائه می‌کند	۸
۴۸۴	نقشه عکس‌بازنگریسته	photo-revised map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه عارضه‌نگاشتی یا مسطحاتی که با روش‌های تصویرسنجشی بازنگری شده است	۸
۴۸۵	نقشه عمومی	general map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که انواع عارضه‌های جغرافیایی را نشان می‌دهد	۸
۴۸۶	نقشه کوچک‌مقیاس	small-scale map	[مهندسی نقشه‌برداری]	عموماً، نقشه‌ای که در مقیاس ۱:۵۰۰۰۰ تا ۱:۲۵۰۰۰۰ تهیه شده باشد	۸
۴۸۷	نقشه مغناطیسی	magnetic map, magnetic chart	[مهندسی نقشه‌برداری]	نوعی نقشه خاص‌منظوره که پراکندگی یکی از عناصر مغناطیسی را سده‌به‌سده نشان می‌دهد	۸
۴۸۸	نقشه میان‌مقیاس	medium-scale map, intermediate-scale map	[مهندسی نقشه‌برداری]	عموماً، نقشه‌ای که در مقیاس ۱:۱۰۰۰۰ تا ۱:۵۰۰۰۰ تهیه شده باشد	۸
۴۸۹	نقشه نظامی	military map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که برای اهداف نظامی تهیه می‌شود	۸
۴۹۰	نقشه نیم‌کره	hemispherical map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه نیمه استوایی یا نیمه‌های نصف‌النهاری زمین	۸
۴۹۱	نقشه هم‌انحراف	isogonic map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که در امتداد خطوط آن انحراف مغناطیسی در یک تاریخ مشخص ثابت است	۸
۴۹۲	نقشه هم‌مقدار	isoplethic map, isarithmic map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که در آن نقاط هم‌کمیت به هم وصل شده‌اند	۸
۴۹۳	نقشه هوانوردی	aeronautical chart	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که برای ناوبری هوایی طراحی می‌شود	۸
۴۹۴	وایچش نقشه	map distortion	[مهندسی نقشه‌برداری]	تغییر شکل عوارض بر روی بیضوی که بر اثر ترسیم آنها بر روی سطح دویعدی ایجاد می‌شود مت. دگرشکلی نقشه map deformation	۸
۴۹۵	ویرایش نقشه	map editing, map edit	[مهندسی نقشه‌برداری]	اصلاح یا اضافه کردن یا کم کردن نمادها و داده‌ها و حروف و ارقام و بازنگری کلی در محتوا و شکل نقشه پیش از چاپ	۸
۴۹۶		cartographic photography → mapping photography	[مهندسی نقشه‌برداری]		۸
۴۹۷		circulation map → traffic-circulation map	[مهندسی نقشه‌برداری]		۸

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۴۹۸		city map → urban map	[مهندسی نقشه برداری]		۸
۴۹۹		intermediate-scale map → medium-scale map	[مهندسی نقشه برداری]		۸
۵۰۰		isarithmic map → isoplethic map	[مهندسی نقشه برداری]		۸
۵۰۱		isarithmic mapping → isoplethic mapping	[مهندسی نقشه برداری]		۸
۵۰۲		isopleth mapping → isoplethic mapping	[مهندسی نقشه برداری]		۸
۵۰۳		key map → index map	[مهندسی نقشه برداری]		۸
۵۰۴		magnetic chart → magnetic map	[مهندسی نقشه برداری]		۸
۵۰۵		photo index → photographic index map	[مهندسی نقشه برداری]		۸
۵۰۶		photo index map → photographic index map	[مهندسی نقشه برداری]		۸
۵۰۷		polyhedral map → polyhedric map	[مهندسی نقشه برداری]		۸
۵۰۸	خور کِشند	solar tide	[اقیانوس شناسی، زمین شناسی، ژئوفیزیک، علوم جو، مهندسی نقشه برداری]	جزئی از کِشند که فقط بر اثر گرانش خورشید ایجاد می شود	۸
۵۰۹	حوضه کِشندی	tidal basin	[اقیانوس شناسی، زمین شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	حوضه طبیعی یا مصنوعی که تحت تأثیر فعالیت کِشندی قرار دارد	۸
۵۱۰	خط کرانه	shoreline	[اقیانوس شناسی، زمین شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	اثر سطح آب بر ساحل که با کِشند تغییر می کند	۸
۵۱۱	خط کناره	coastline	[اقیانوس شناسی، زمین شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	خطی که حداکثر پیشروی امواج توفانی بر روی ساحل / کرانه را نشان می دهد	۸
۵۱۲	ارتفاع کِشند	height of tide	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، علوم جو، مهندسی نقشه برداری]	فاصله عمودی سطح آب از سطح مبنای کِشندی (chart datum) در هر زمان	۸
۵۱۳	روز قمری	lunar day	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	← روز کِشندی	۸

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۵۱۴	روز کَشَنَدی	tidal day	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	فاصلهٔ زمانی میان دو عبور متوالی ماه از یک نصف‌النهار مت. روز قمری lunar day	۸
۵۱۵	کَشَنَد نجومی	astronomical tide	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	کَشَنَد حاصل از گرانش ماه و خورشید	۸
۵۱۶	کَشَنَد نیم‌روزانه	semidiurnal tide	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	کَشَنَدی که در آن در یک روز قمری دو فراکَشَنَد و دو فروکَشَنَد با ارتفاع تقریباً برابر رخ می‌دهد	۸
۵۱۷	ماه کَشَنَد	lunar tide	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	جزئی از کَشَنَد که فقط بر اثر گرانش ماه ایجاد می‌شود	۸
۵۱۸	میانگین خیز کَشَنَد	mean rise of tide	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	ارتفاع میانگین فراکَشَنَد بالای سطح مینا	۸
۵۱۹	نیروی کَشَنَدزا	tide-generating force, tide-producing force	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	نیروی گرانشی ایجادکنندهٔ کَشَنَد	۸
۵۲۰		tidal cycle → tide cycle	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]		۸
۵۲۱		tide-producing force → tide-generating force	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]		۸
۵۲۲	چرخهٔ کَشَنَد	tide cycle, tidal cycle	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	دورهٔ ظهور کامل پدیده‌های کَشَنَدی مانند روز کَشَنَدی یا ماه قمری	۸
۵۲۳	خیز کَشَنَد	rise of tide, tidal rise	[اقیانوس شناسی، علوم جو، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	فاصلهٔ عمودی از سطح مینای کَشَنَدی تا سطح بالاتر آب	۸
۵۲۴	کَشَنَد روزانه	diurnal tide	[اقیانوس شناسی، علوم جو، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	کَشَنَدی که در آن در یک روز قمری یک فراکَشَنَد و یک فروکَشَنَد رخ می‌دهد	۸
۵۲۵	کَشَنَد هواشناختی	meteorological tide	[اقیانوس شناسی، علوم جو، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	تغییر سطح آب بر اثر عوامل هواشناختی مانند فشار جو و باد	۸
۵۲۶		tidal rise → rise of tide	[اقیانوس شناسی، علوم جو، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]		۸
۵۲۷		astronomic tide → astronomical tide	[اقیانوس شناسی، مهندسی نقشه برداری]		۸

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۵۲۸	سمت مغناطیسی	magnetic azimuth	[ژئوفیزیک، مهندسی نقشه‌برداری]	[ژئوفیزیک] سمت نسبت به شمال مغناطیسی [مهندسی نقشه‌برداری] زاویه میان صفحه قائم گذرنده از شیء مشاهده‌شده و صفحه قائم گذرنده از عقربه مغناطیسی آزاد معلق	۸
۵۲۹	آهنگ تغییر فاصله	range rate	[مهندسی نقشه‌برداری]	میزان تغییر فاصله اندازه‌گیری‌شده در واحد زمان	۹
۵۳۰	اطلاعات مکانی همه‌جاگاه	ubiquitous geographical information, UBGi	[مهندسی نقشه‌برداری]	اطلاعات مکانی که با تجهیزات مخابراتی به کاربران یا سامانه‌ها در هر زمان و در هر مکان ارائه می‌شود	۹
۵۳۱	اُفت	dip 1	[مهندسی نقشه‌برداری]	← اُفت افق	۹
۵۳۲	اُفت افق	depression of the horizon, dip of the horizon	[مهندسی نقشه‌برداری]	زاویه قائم در نقطه مشاهده بین افق حقیقی و خط دیدی که تا افق ظاهری امتداد دارد مت. زاویه اُفت $\angle dip$ اُفت $\angle dip$	۹
۵۳۳	افق حقیقی	true horizon, geometric horizon/ geometrical horizon	[مهندسی نقشه‌برداری]	در تصویرسنجی، صفحه‌ای افقی که از نقطه دید یا مرکز تصویر (centre perspective) می‌گذرد	۹
۵۳۴	افق ظاهری	apparent horizon	[مهندسی نقشه‌برداری]	خط نامنظمی که در امتداد آن پرتوهای گسیل‌شده از نقطه مشاهده مماس بر سطح زمین باشد مت. افق محلی horizon local افق مرئی visible horizon	۹
۵۳۵	افق محلی	local horizon	[مهندسی نقشه‌برداری]	← افق ظاهری	۹
۵۳۶	افق مرئی	visible horizon	[مهندسی نقشه‌برداری]	← افق ظاهری	۹
۵۳۷	انحراف مغناطیسی شبکه	grid magnetic angle, grivation, grid variation	[مهندسی نقشه‌برداری]	زاویه بین شمال شبکه و شمال مغناطیسی در جهت عقربه‌های ساعت	۹
۵۳۸	بافت آگاهی	context awareness	[مهندسی نقشه‌برداری]	فناوری توانمندساز سامانه‌های همه‌جاگاه	۹
۵۳۹	بافت آگاهی مکانی	spatial context awareness/ spatial contextual awareness, geographical awareness	[مهندسی نقشه‌برداری]	نوعی بافت آگاهی که در آن از اطلاعات بافتی از قبیل موقعیت مکانی و زمان در سامانه اطلاعاتی استفاده می‌شود	۹
۵۴۰	پیمایش تخته‌سه‌پایه	planetable traverse	[مهندسی نقشه‌برداری]	پیمایشی که در آن برای تعیین زوایا و راستاها از تخته‌سه‌پایه استفاده می‌شود	۹
۵۴۱	پیمایش تندیافتی	tacheometric traverse/ tachymetric traverse	[مهندسی نقشه‌برداری]	پیمایشی که با استفاده از تندیاب یعنی با اندازه‌گیری هم‌زمان فاصله و ارتفاع یا بلند انجام می‌شود	۹
۵۴۲	پیمایش چپ‌گرد	angle-to-left traverse	[مهندسی نقشه‌برداری]	پیمایشی که در آن تمام زوایاها پس از توجیه زاویه‌یاب از طریق دید عقب نسبت به ایستگاه قبلی در خلاف جهت عقربه‌های ساعت اندازه‌گیری می‌شود	۹
۵۴۳	پیمایش راست‌گرد	angle-to-right traverse	[مهندسی نقشه‌برداری]	پیمایشی که در آن تمام زوایاها پس از توجیه زاویه‌یاب از طریق دید عقب نسبت به ایستگاه قبلی در جهت عقربه‌های ساعت اندازه‌گیری می‌شود	۹
۵۴۴	پیمایش رفت‌وبرگشتی	double-run traverse	[مهندسی نقشه‌برداری]	پیمایشی که با رفت و برگشت بین نقطه شروع و نقطه پایان انجام می‌شود و در هر دو مرحله بر روی همه نقاط پیمایش ایستگاه‌گذاری (visiting stations) می‌شود	۹
۵۴۵	پیمایش فرازیافتی	altimetric traverse	[مهندسی نقشه‌برداری]	پیمایشی که در آن، معمولاً با یک فرازیاب، ارتفاع نقاط با اندازه‌گیری فشار هوا و تبدیل آن به فرازا به دست می‌آید	۹
۵۴۶	تحویل فاصله	distance reduction	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند یافتن فاصله واقع بر بیضوی مرجع یا یک سطح هم‌پتانسیل خاص که متناظر با فاصله اندازه‌گیری‌شده بر روی زمین است	۹

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۵۴۷	تخته‌سه‌پایهٔ پیمایش	traverse planetable	[مهندسی نقشه‌برداری]	تخته‌رسمی قابل‌چرخش بر روی سه‌پایه که در گوشه‌ای از آن قطب‌نما قرار دارد	9
۵۴۸	جدول پیمایش	traverse table	[مهندسی نقشه‌برداری]	جدولی که در آن فهرست طول اضلاع پیمایش در مقابل زوایا درج شده است	9
۵۴۹	خطای مقیاس	scale error	[مهندسی نقشه‌برداری]	خطای نظام‌مند در فاصلهٔ نقشه‌برداری شده که متناسب با فاصله است	9
۵۵۰	دیدرس ۱	range of visibility	[مهندسی نقشه‌برداری]	دورترین فاصله‌ای که چشم انسان قادر به دیدن است	9
۵۵۱	دیدرس جغرافیایی	geographic range	[مهندسی نقشه‌برداری]	حداکثر فاصله‌ای که در آن با توجه به انحنای زمین و ارتفاع شیء و نقطهٔ دید می‌توان شیئی را دید	9
۵۵۲	رایانه‌سازی فراگیر	pervasive computing	[مهندسی نقشه‌برداری]	استفادهٔ گسترده از فناوری‌های رایانه‌ای با قرار دادن ریزپردازنده‌ها بر روی همهٔ اشیا	9
۵۵۳	زاویهٔ اُفت ۲	dip angle	[مهندسی نقشه‌برداری]	← اُفت افق	9
۵۵۴	زاویهٔ انحراف	deflection angle	[مهندسی نقشه‌برداری]	زاویه‌ای افقی که با ادامه دادن خط قبلی در سمت چپ یا راست خط بعدی اندازه‌گیری می‌شود	9
۵۵۵	زاویهٔ خارجی	external angle, exterior angle	[مهندسی نقشه‌برداری]	زاویهٔ بین یک ضلع و امتداد ضلع مجاورش در خارج از چندضلعی	9
۵۵۶	زاویهٔ داخلی	internal angle, interior angle	[مهندسی نقشه‌برداری]	زاویهٔ بین اضلاع مجاور در درون یک شکل بسته	9
۵۵۷	زاویهٔ مسطح	plane angle	[مهندسی نقشه‌برداری]	شکلی که از تقاطع دو نیم‌خط پایان‌یافته در نقطهٔ تقاطع به دست می‌آید	9
۵۵۸	سامانهٔ بافت‌آگاه	context-aware system	[مهندسی نقشه‌برداری]	سامانه‌ای که با توجه به موقعیت یا بافت اطلاعات یا خدمات مناسب به کاربر ارائه می‌دهد	9
۵۵۹	سرشکنی پیمایش	traverse adjustment	[مهندسی نقشه‌برداری]	اعمال روش کمترین مربعات برای سرشکن کردن پیمایش	9
۵۶۰	سمت حقیقی	true azimuth	[مهندسی نقشه‌برداری]	زاویه‌ای که در صفحهٔ افقی نسبت به صفحهٔ قائم گذرنده از قطب سماوی و صفحهٔ قائم گذرنده از شیء مشاهده‌شده اندازه‌گیری شود مت. سمت نجومی astronomical azimuth	9
۵۶۱	سمت نجومی	astronomical azimuth	[مهندسی نقشه‌برداری]	← سمت حقیقی	9
۵۶۲	سمت وارون	reverse azimuth, back azimuth	[مهندسی نقشه‌برداری]	سمتی که با یک سمت معین به اندازهٔ ۱۸۰ درجه به علاوهٔ میزان همگرایی نصف‌النهاری تفاوت دارد	9
۵۶۳	سویهٔ حقیقی	true bearing	[مهندسی نقشه‌برداری]	زاویهٔ افقی بین خط نصف‌النهار و یک خط بر روی زمین	9
۵۶۴	سویهٔ راداری	radar bearing	[مهندسی نقشه‌برداری]	سویهٔ اندازه‌گیری‌شده با رادار	9
۵۶۵	سویهٔ رادیویی	radio bearing	[مهندسی نقشه‌برداری]	زاویهٔ اندازه‌گیری‌شده بین امتداد ظاهری مرجع ارسال موج الکترومغناطیسی و امتداد مرجع	9
۵۶۶	سویهٔ متقابل	reciprocal bearing	[مهندسی نقشه‌برداری]	سویه‌ای که ۱۸۰ درجه با یک سویهٔ معین تفاوت دارد	9
۵۶۷	سویهٔ وارون	reverse bearing	[مهندسی نقشه‌برداری]	سویهٔ اندازه‌گیری‌شده با قطب‌نمای مغناطیسی که در جهت عکس سویهٔ نقطهٔ مورد نظر قرار دارد	9
۵۶۸	شاخه‌پیمایش	spur traverse, stub traverse	[مهندسی نقشه‌برداری]	هر پیمایش کوتاهی که از پیمایش اصلی جدا شود تا به نقطه یا محل خاصی برسد	9
۵۶۹	شیب ظاهری	apparent slope	[مهندسی نقشه‌برداری]	شیب بخشی از زمین که در عکس‌های هوایی مشاهده‌شده با برجسته‌نما همراه با اعوجاج یا	9

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
				اغراق ارتفاعی (vertical exaggeration) به نظر می‌رسد	
۵۷۰	ضریب مقیاس	scale factor	[مهندسی نقشه‌برداری]	عددی که اگر در فاصله به دست آمده از نقشه از طریق اندازه‌گیری یا محاسبه ضرب شود، فاصله واقعی بر روی سطح مبنای نقشه به دست می‌آید	9
۵۷۱	طبقه‌بندی پیمایش	classification of traverses, traverse classification	[مهندسی نقشه‌برداری]	دسته‌بندی پیمایش‌ها بر اساس میزان دقت و پیمایش در آنها	9
۵۷۲	فاصله زمینی	ground distance, ground range	[مهندسی نقشه‌برداری]	فاصله بین دو نقطه بر روی زمین در امتداد دایره عظیمه گذرنده از آن دو نقطه	9
۵۷۳	فاصله قطبی	polar distance, co-declination	[مهندسی نقشه‌برداری]	فاصله زاویه‌ای از قطب آسمان که متمم زاویه میل است	9
۵۷۴	فاصله معیار	standard distance, standard distance deviation	[مهندسی نقشه‌برداری]	اندازه‌ای برای بیان فشردگی توزیع مکانی عوارض پیرامون مرکز میانگین آن	9
۵۷۵	فاصله نصف‌النهاری	meridional distance	[مهندسی نقشه‌برداری]	فاصله اندازه‌گیری شده در امتداد نصف‌النهار بر روی بیضوی	9
۵۷۶	مدار مقیاس	scale parallel	[مهندسی نقشه‌برداری]	مداری که مقیاس تعریف شده برای آن در سامانه تصویر (map projection) مربوط صحیح است	9
۵۷۷	مشخصات پیمایش	specifications for a traverse, traverse specifications	[مهندسی نقشه‌برداری]	جزئیات ضروری مربوط به روش‌ها و معیارهای یک پیمایش نقشه‌برداری	9
۵۷۸	مقیاس تألیف	compilation scale	[مهندسی نقشه‌برداری]	مقیاسی که نقشه در آن تألیف می‌شود و ممکن است با مقیاس بیان شده در نقشه تفاوت داشته باشد	9
۵۷۹	مقیاس مدل برجسته	scale of a stereoscopic model	[مهندسی نقشه‌برداری]	نسبت یک فاصله اندازه‌گیری شده بر روی مدل برجسته به فاصله نظیرش بر روی شیء واقعی	9
۵۸۰	نشانگر مقیاس	scale indicator	[مهندسی نقشه‌برداری]	دستگاهی دارای مقیاس مدرج لگاریتمی برای تعیین مقیاس طبیعی نقشه بر پایه نشانه‌های مقیاس ترسیم یا بازه‌های عرض جغرافیایی روی نقشه	9
۵۸۱	نقشه‌نگاری همه‌جاگاہ	ubiquitous cartography	[مهندسی نقشه‌برداری]	امکانی برای کاربران در ایجاد نقشه‌ها و استفاده از آنها در هر مکان و در هر زمان برای مکان‌یابی و راهیابی و انتخاب مسیر	9
۵۸۲	وارسی مقیاس	scale checking	[مهندسی نقشه‌برداری]	تعیین مقیاس عکس هوایی یا به عبارت دقیق‌تر تعیین ارتفاع عکس‌برداری از سطح دریا به نحوی که بهترین برازش (fit) را با عکس داشته باشد	9
۵۸۳		back azimuth → reverse azimuth	[مهندسی نقشه‌برداری]		9
۵۸۴		co-declination → polar distance	[مهندسی نقشه‌برداری]		9
۵۸۵		dip of the horizon → depression of the horizon	[مهندسی نقشه‌برداری]		9
۵۸۶		exterior angle → external angle	[مهندسی نقشه‌برداری]		9
۵۸۷		geographical awareness → spatial context awareness	[مهندسی نقشه‌برداری]		9
۵۸۸		geometrical horizon → geometric horizon	[مهندسی نقشه‌برداری]		9
۵۸۹		geometric horizon/ geometrical horizon → true horizon	[مهندسی نقشه‌برداری]		9
۵۹۰		grid variation → grid magnetic angle	[مهندسی نقشه‌برداری]		9

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۵۹۱		grivation → grid magnetic angle	[مهندسی نقشه برداری]		9
۵۹۲		ground range → ground distance	[مهندسی نقشه برداری]		9
۵۹۳		interior angle → internal angle	[مهندسی نقشه برداری]		9
۵۹۴		standard distance deviation → standard distance	[مهندسی نقشه برداری]		9
۵۹۵		stub traverse → spur traverse	[مهندسی نقشه برداری]		9
۵۹۶		traverse classification → classification of traverses	[مهندسی نقشه برداری]		9
۵۹۷		traverse specifications → specifications for a traverse	[مهندسی نقشه برداری]		9
۵۹۸		UBGI → ubiquitous geographical information	[مهندسی نقشه برداری]		9
۵۹۹		fiducial marker → fiducial mark	[مهندسی نقشه برداری]		10
۶۰۰		FMC → image-motion compensation	[مهندسی نقشه برداری]		10
۶۰۱		forward-motion compensation → image-motion compensation	[مهندسی نقشه برداری]		10
۶۰۲		IMC → image-motion compensation	[مهندسی نقشه برداری]		10
۶۰۳		interocular distance → eye base	[مهندسی نقشه برداری]		10
۶۰۴		interpupillary distance → eye base	[مهندسی نقشه برداری]		10
۶۰۵		panelling → targeting	[مهندسی نقشه برداری]		10
۶۰۶		perspective ray → image ray	[مهندسی نقشه برداری]		10
۶۰۷		photographic base length → photo base	[مهندسی نقشه برداری]		10
۶۰۸		stereo image → stereoscopic image	[مهندسی نقشه برداری]		10
۶۰۹	بازشناسی نشانه	target recognition	[مهندسی نقشه برداری]	← شناسایی نشانه	10
۶۱۰	برداشت چندضلعی سنجشی	polygonometric survey	[مهندسی نقشه برداری]	← پیمایش زاویه‌ای	10
۶۱۱	برداشت زاویه سنجشی	goniometric survey	[مهندسی نقشه برداری]	← پیمایش زاویه‌ای	10
۶۱۲	بهسازی تصویر	image enhancement	[مهندسی نقشه برداری]	دست کاری تصویر برای برجسته سازی یا تأکید بر ویژگی‌های آن	10

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۶۱۳	پرتو تصویر	image ray, perspective ray	[مهندسی نقشه برداری]	خط مستقیمی که نقطه‌ای در فضای شیء یا فضای تصویر را به مرکز تصویر وصل می‌کند	10
۶۱۴	پردازش تصویر	image processing	[مهندسی نقشه برداری]	مجموع عملیاتی که می‌توان بر روی عکس یا تصویر انجام داد	10
۶۱۵	پیمایش ۳	traversing	[مهندسی نقشه برداری]	← چندضلعی بندی	10
۶۱۶	پیمایش برداشت	survey traverse	[مهندسی نقشه برداری]	← پیمایش زاویه‌ای	10
۶۱۷	پیمایش چارچوب‌دار	framed traverse	[مهندسی نقشه برداری]	پیمایشی با واپایش موقعیتی و سوبه‌ای کامل	10
۶۱۸	پیمایش دقیق	precise traverse	[مهندسی نقشه برداری]	اصطلاحی که پیش از مه ۱۹۲۵ در برخی نهادهای نقشه برداری ایالات متحده برای رده‌ای از پیمایش‌ها به کار می‌رفت که تقریباً برابر است با رده پیمایش‌های درجه دو از طبقه II مطابق با طبقه بندی ۱۹۷۴	10
۶۱۹	پیمایش زاویه‌ای	goniometric traverse	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی پیمایش که در آن موقعیت زنجیره‌ای از نقاط با اندازه‌گیری فاصله میان نقاط و زاویه بین پهلوها تعیین می‌شود مت. پیمایش زاویه‌سنجشی مت. پیمایش برداشت survey traverse برداشت چندضلعی‌سنجشی survey polygonometric برداشت زاویه‌سنجشی survey goniometric	10
۶۲۰	پیمایش زاویه‌سنجشی		[مهندسی نقشه برداری]	← پیمایش زاویه‌ای	10
۶۲۱	تحلیل تصویر	image analysis	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند بررسی یک تصویر برای تشریح یا اندازه‌گیری یا نقشه‌سازی یا شمارش یا پایش آنچه بر سطح زمین قرار دارد	10
۶۲۲	تصحیح تصویر	image correction	[مهندسی نقشه برداری]	تصحیح خطاهای هندسی و نوری و مانند آن در یک تصویر	10
۶۲۳	تصویر برجسته‌نما	stereoscopic image, stereo image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که بیننده در هنگام مشاهده آن را سه‌بعدی احساس می‌کند	10
۶۲۴	تصویر بی‌فام	achromatic image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که با تابیدن نور بر آن، نور بدون تجزیه به مؤلفه‌هایش از آن عبور می‌کند یا بازتاب می‌یابد	10
۶۲۵	تصویر عکسی	photographic image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویر تشکیل شده بر روی عکس	10
۶۲۶	تصویر کاذب‌رنگ	false-colour image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که در آن، به جای رنگ‌های طبیعی، رنگ‌های دیگر به کار رفته باشد	10
۶۲۷	تصویر متناظر	corresponding image	[مهندسی نقشه برداری]	هر تصویری از یک شیء که با دیگر تصاویر همان شیء تناظر داشته باشد	10
۶۲۸	تصویر نظیر	homologous image	[مهندسی نقشه برداری]	هر یک از مجموعه تصاویر برداشته شده از یک شیء واحد از محل‌های مختلف که بر روی دو یا چند عکس همپوشان ظاهر می‌شود	10
۶۲۹	تفسیر تصویر	image interpretation 1	[مهندسی نقشه برداری]	مطالعه تصاویر برای شناسایی و ارزیابی اهمیت عوارض مورد نظر	10
۶۳۰	جاب‌جایی تصویر	image displacement	[مهندسی نقشه برداری]	تغییر موقعیت نقاط تصویر به دلیل کجی عکس یا پستی و بلندی زمین	10
۶۳۱	جبران کشیدگی تصویر	image-motion compensation, IMC, forward-motion compensation, FMC	[مهندسی نقشه برداری]	بی‌حرکت نگه داشتن تصویر در صفحه کانونی دوربین در ضمن حرکت نسبی دوربین و شیء، برای جلوگیری از تارشدگی تصویر	10
۶۳۲	جهت تصویر	image direction	[مهندسی نقشه برداری]	جهت تصویر نسبت به موقعیت ماده حساس عکس برداری	10
۶۳۳	چندضلعی بندی	polygonization	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند انجام پیمایش مت. پیمایش ۳ traversing	10
۶۳۴	خط مبنای عکسی	photo base, photographic base length	[مهندسی نقشه برداری]	خط مبنای هوایی، آن‌طور که بر روی یک عکس یا یک جفت عکس ظاهر می‌شود مت. طول پایه عکسی	10

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۶۳۵	خط مبنای هوایی	air base	[مهندسی نقشه برداری]	خط واصل دو موقعیت مرکز عدسی دوربین یا فاصله بین مراکز عدسی یک جفت دوربین در لحظه عکس برداری	10
۶۳۶	رده بندی تصویر	image classification	[مهندسی نقشه برداری]	گروه بندی تصویردانه ها (pixels) به صورت رسته ها و رده ها برای تولید یک نمایش موضوعی (thematic representation)	10
۶۳۷	سنجش نقشه ای	cartometric scaling	[مهندسی نقشه برداری]	اندازه گیری دقیق مختصات جغرافیایی یا شبکه ای بر روی نقشه با خط کش مدرج	10
۶۳۸	شناسایی نشانه	target identification	[مهندسی نقشه برداری]	فرآیندی که در آن نشانه های تصویری بر اساس یک قاعده تصمصیم گیری مشخص شناسایی می شود مت. باز شناسی نشانه target recognition	10
۶۳۹	طول بستار	concluded length	[مهندسی نقشه برداری]	طول پهلویی که اندازه گیری نمی شود، ولی برای اینکه شبکه تماماً متشکل از مثلث باشد، در شبکه سه پهلوبندی که در ابتدا شامل یک شکل غیر مثلثی بوده است، گنجانده می شود	10
۶۴۰	طول پایه چشمی	eye base, interpupillary distance, interocular distance	[مهندسی نقشه برداری]	فاصله میان مراکز مردمک های دو چشم	10
۶۴۱	طول پایه عکسی		[مهندسی نقشه برداری]	← خط مبنای عکسی	10
۶۴۲	علامت اطمینان	fiducial mark, fiducial marker	[مهندسی نقشه برداری]	هر یک از علامت هایی که نشانگر محورهای هستند که تقاطعشان نقطه اصلی عکس را نشان می دهد	10
۶۴۳	علامت گذار	marksetter	[مهندسی نقشه برداری]	شخصی که وظیفه او نصب علامت های نقشه برداری است	10
۶۴۴	فاصله مستقیم	straight line distance	[مهندسی نقشه برداری]	از نظر ریاضی، کوتاه ترین فاصله میان دو نقطه	10
۶۴۵	فشرده سازی تصویر	image compression	[مهندسی نقشه برداری]	عملیاتی که در آن، ضمن حفظ اطلاعات تصویر، از حجم آن کاسته می شود و حافظه و زمان کمتری صرف ذخیره سازی و انتقال می شود	10
۶۴۶	فضای تصویر	image space	[مهندسی نقشه برداری]	۱. فضایی دوبعدی که بر اساس تعداد ستون ها و سطرها در یک مجموعه داده شطرنجی مشخص می شود ۲. آن بخش از فضا که در آن، پرتو نور تحت تأثیر سامانه نوری قرار می گیرد	10
۶۴۷	کشیدگی تصویر	image motion	[مهندسی نقشه برداری]	تار شدن تصویر بر اثر حرکت نسبی دوربین و شیء	10
۶۴۸	گوشه	corner 3	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه ای که در آن دو یا چند خط مرزی با یکدیگر تلاقی می کنند	10
۶۴۹	گوشه شاهد	witness corner	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه ای علامت گذاری شده بر روی زمین سفت با فاصله و راستای اندازه گیری شده از گوشه ای که خود آن را نمی توان به طور دائم علامت گذاری کرد	10
۶۵۰	مقیاس برداشت آبنگاشتی	scale of hydrographic survey	[مهندسی نقشه برداری]	مقیاسی که در آن موقعیت های عمق یابی بر روی برگ نقشه آبنگاشتی ترسیم می شود	10
۶۵۱	نشانه گذاری ۱	targeting 2, panelling	[مهندسی نقشه برداری]	علامت گذاری (marking) یا برجسته سازی نقاط واپایش زمینی، به طوری که بر روی عکس هوایی قابل شناسایی باشد	10
۶۵۲	نقطه پیمایش	teraverse point	[مهندسی نقشه برداری]	هر یک از نقاط تلاقی دو ضلع در هر پیمایش مت. نقطه عطف ۱ turning point ۱	10
۶۵۳	نقطه تصویر	image point	[مهندسی نقشه برداری]	تصویر نقطه ای معین از یک شیء	10
۶۵۴	نقطه عطف ۱	turning point 1	[مهندسی نقشه برداری]	← نقطه پیمایش	10
۶۵۵	نمودار نقشه	cartogram	[مهندسی نقشه برداری]	نموداری کوچک بر روی نقشه که اطلاعات کمی را نشان می دهد	10

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۶۵۶	وایچش تصویر	image distortion	[مهندسی نقشه برداری]	تغییر شکل تصویر بر اثر عواملی مانند خطای عدسی یا تابیدگی فیلم یا حرکت دوربین	10
۶۵۷	آستانه گذاری تصویر	image thresholding	[مهندسی نقشه برداری]	روشی برای بخش بندی (segmentation) تصویر که در آن برای درجات خاکستری تصویر آستانه هایی تعیین می کنند	12
۶۵۸	آمیزه سازی تصویر	image blending	[مهندسی نقشه برداری]	تلفیق یا ادغام دو تصویر هم اندازه	12
۶۵۹	ادغام تصویر	image fusion	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند ترکیب اطلاعات مربوط به دو یا چند تصویر در تصویری واحد	12
۶۶۰	باریکه تصویر برداری	image swath/ image swathe	[مهندسی نقشه برداری]	منطقه یا ناحیه ای که در یک بازه زمانی با یک فرستنده پرتو دهی یا با آشکار سازی که بر هواپیما یا ماهواره نصب شده است مشاهده می شود مت. پهنای باریکه تصویر برداری image swath width	12
۶۶۱	باز تولید تصویر	image reproduction, image duplicate	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تولید نسخه ای همسان از یک تصویر	12
۶۶۲	باز سازی تصویر	image reconstruction	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند ترمیم تصویر از طریق احیای داده های از دست رفته یا مبهم	12
۶۶۳	باز شناسی تصویر	image recognition	[مهندسی نقشه برداری]	شناسایی عوارض یا اشیای موجود در یک تصویر	12
۶۶۴	باز نمایشی تصویر	image representation	[مهندسی نقشه برداری]	برنامه ای پردازشی که با سبک سازی داده های تصویر در قالب های مناسب، رایانش توصیف گرهای تصویر را به طور قابل ملاحظه ای بهبود می بخشد	12
۶۶۵	باز نمونه برداری تصویر	image resampling	[مهندسی نقشه برداری]	محاسبه مقادیر خاکستری جدید برای تصویر دانه هایی (pixels) که در مرحله تصحیح هندسی یک تصویر رقمی بر پایه مقادیر موجود در نقاط پیرامونی آن تصویر دانه ها تولید شده اند	12
۶۶۶	برهم گذاری تصویر	image overlay	[مهندسی نقشه برداری]	قرار دادن یک تصویر نور گذر یا شفاف بر یک تصویر زمینه	12
۶۶۷	پهنای باریکه تصویر برداری	image swath width/ image swathe width	[مهندسی نقشه برداری]	← باریکه تصویر برداری	12
۶۶۸	تاب دهی تصویر	image warping	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند دستکاری رقمی تصویر به طوری که شکل های موجود در تصویر به طرز چشمگیری تغییر کند	12
۶۶۹	تبدیل تصویر	image transformation	[مهندسی نقشه برداری]	عملی که در طی آن تصویر درون داد به تصویر دیگری در برون داد بدل می شود	12
۶۷۰	ترمیم تصویر	image rectification	[مهندسی نقشه برداری]	تولید تصویر از تصویری کج یا مایل با رفع کجی آن	12
۶۷۱	تصویر اندایی	image draping	[مهندسی نقشه برداری]	اندایش تصویر بر رویه	12
۶۷۲	تصویر چند زمانی	multi-temporal imagery	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که مؤلفه های آن در یک طول موج طیفی در زمان های مختلف گرفته می شود	12
۶۷۳	تصویر چند طیفی	multi-spectral imagery	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که مؤلفه های آن در یک زمان در طول موج های طیفی مختلف گرفته می شود	12
۶۷۴	تصویر چندنگاهی	multi-look imagery/ multi-look image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که از برآیند چند تصویر گرفته شده در بازه های مختلف تولید می شود	12
۶۷۵	تصویر فروسرخ	infrared imagery, IR imagery	[مهندسی نقشه برداری]	تصویر حاصل از پوششگری که بخشی از طیف کاهنربایی (electromagnetic) را ثبت می کند که بین انتهای سرخ طیف مرئی و تابش ریز موج قرار دارد	12
۶۷۶	تصویر گرمایی	thermal imagery	[مهندسی نقشه برداری]	تصویر حاصل از پوششگری که تنها پرتوهای بازه فروسرخ گرمایی را ثبت می کند	12
۶۷۷	توصیف تصویر	image description	[مهندسی نقشه برداری]	توصیف بخش های یک تصویر حاصل از بخش بندی (segmentation) به نحوی که برای پردازش بعدی مناسب باشد	12

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۶۷۸	جفت تصویر ۲	stereo imagery/ stereo image	[مهندسی نقشه برداری]	دو تصویر هم‌پوشان از یک موضوع که مشاهده آن دیدی سه بعدی را القا می‌کند	12
۶۷۹	چندی سازی تصویر	image quantization	[مهندسی نقشه برداری]	فرایندی که در آن به هر درجه خاکستری از یک تصویر بر مبنای جدول معینی از درجات خاکستری مقداری نسبت داده می‌شود	12
۶۸۰	خطای بست پیوندگاه	junction misclosure, junction closure	[مهندسی نقشه برداری]	اختلاف در تعیین موقعیت یا ارتفاع یک پیوندگاه در دو نوبت نقشه برداری متوالی	12
۶۸۱	خطای بست تراز یابی	levelling misclosure, error of closure, error of closure in levelling, levelling error of closure, misclosure in levelling	[مهندسی نقشه برداری]	اختلاف میان دو اندازه گیری از یک نشانه ارتفاعی که از نقشه برداری های مختلف یا در امتداد مسیرهای مختلف یا با اندازه گیری های مستقل به دست آمده باشد	12
۶۸۲	خطای بست خطی	linear misclosure	[مهندسی نقشه برداری]	فاصله بین نقطه شروع و نقطه پایان یک پیمایش بسته	12
۶۸۳	خطای بست دور افق	misclosure of the horizon	[مهندسی نقشه برداری]	اختلاف مجموع یک رشته زاویه افقی بین خط های مجاور در یک دور کامل افق، با ۳۶۰ درجه	12
۶۸۴	خطای بست زاویه ای	angular misclosure	[مهندسی نقشه برداری]	اختلاف میان مجموع واقعی یک رشته زاویه و مقدار نظری آن مجموع	12
۶۸۵	خطای بست سمت	misclosure in azimuth	[مهندسی نقشه برداری]	اختلاف میان دو بار اندازه گیری مقدار سمت یک خط که با روش های مختلف نقشه برداری یا در امتداد مسیرهای مختلف به دست آمده باشد	12
۶۸۶	خطای بست مثلث	misclosure of triangle	[مهندسی نقشه برداری]	اختلاف مجموع سه زاویه اندازه گیری شده یک مثلث با مجموع ۱۸۰ درجه و اضافه کرویّت مثلث	12
۶۸۷	خطای بست نسبی	relative misclosure	[مهندسی نقشه برداری]	مقداری که از تقسیم خطای بست پیمایش بر طول پیمایش به دست می‌آید و عموماً به صورت کسری از عدد یک بیان می‌شود	12
۶۸۸	درون یابی تصویر	image interpolation 2	[مهندسی نقشه برداری]	روشی که با آن می‌توان از تصویر دانه های (pixels) موجود مقداری جدید تصویر دانه تولید کرد	12
۶۸۹	دستکاری تصویر	image manipulation	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تغییر یک تصویر رقمی به کمک نرم افزارهای ترسیم	12
۶۹۰	دش نمایی تصویر	image aliasing	[مهندسی نقشه برداری]	بدنمایی یا از دست رفتن اطلاعات تصویر بر اثر نمونه برداری ناکافی	12
۶۹۱	شدت افزای تصویر	image intensifier, light amplifier	[مهندسی نقشه برداری]	هریک از افزاره های تقویت کننده شدت تصویر نوری	12
۶۹۲	شکل گیری تصویر	image formation	[مهندسی نقشه برداری]	تشکیل تصویرهای دوبعدی از اشیای سه بعدی به کمک فرایندهای پرتوسنجشی و هندسی	12
۶۹۳	گویا سازی تصویر	image annotation	[مهندسی نقشه برداری]	نشانه گذاری و توضیح بخش های مختلف تصویر در اسناد و صفحات وب و پرونده های تصویری بار گذاری شده	12
۶۹۴	مقیاس تصویر	image scale	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت میان یک فاصله در تصویر و فاصله واقعی بر روی زمین	12
۶۹۵	میانگین گیری تصویر	image averaging	[مهندسی نقشه برداری]	به دست آوردن میانگین یک رشته از تصاویر	12
۶۹۶	نمایه سازی تصویر	image indexing	[مهندسی نقشه برداری]	روشی برای باز یابی یک تصویر از یک مجموعه تصویر	12
۶۹۷	نمونه برداری تصویر	image sampling	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند اندازه گیری روشنی یا شدت نور یک تصویر قیاسی پیوسته و تبدیل آن به آرایه ای از نقاط رقمی گسسته	12
۶۹۸	نواری شدگی تصویر	image striping	[مهندسی نقشه برداری]	کاستی ای که در پوشگر خطی و افزاره های تصویر سازی رانشی بر اثر پاسخ ناهمسان یک آشکارساز منفرد یا آشکارسازی در میان مجموعه ای از آشکارسازها پدید می‌آید	12

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۶۹۹	واضح سازی تصویر	image sharpening	[مهندسی نقشه برداری]	فرایندی ناحیه مبنا که جزئیات تصویر را برجسته می کند	12
۷۰۰	هموار سازی تصویر	image smoothing	[مهندسی نقشه برداری]	جانشین کردن چگالی و/ یا رنگ هر نقطه تصویر با ترکیبی خطی از ویژگی هایی مشابه با ویژگی های نقاط همسایه	12
۷۰۱		error of closure → levelling misclosure	[مهندسی نقشه برداری]		12
۷۰۲		error of closure in levelling → levelling misclosure	[مهندسی نقشه برداری]		12
۷۰۳		image duplicate → image reproduction	[مهندسی نقشه برداری]		12
۷۰۴		image swathe → image swath	[مهندسی نقشه برداری]		12
۷۰۵		IR imagery → infrared imagery	[مهندسی نقشه برداری]		12
۷۰۶		junction closure → junction misclosure	[مهندسی نقشه برداری]		12
۷۰۷		levelling error of closure → levelling misclosure	[مهندسی نقشه برداری]		12
۷۰۸		light amplifier → image intensifier	[مهندسی نقشه برداری]		12
۷۰۹		misclosure in levelling → levelling misclosure	[مهندسی نقشه برداری]		12
۷۱۰		multi-look image → multi-look imagery	[مهندسی نقشه برداری]		12
۷۱۱		stereo image → stereo imagery	[مهندسی نقشه برداری]		12
۷۱۲	آشکارسازی پذیری تصویر	image detectability	[مهندسی نقشه برداری]	قابلیت تشخیص اشیا در یک تصویر	13
۷۱۳	آلایه تصویر	image artifact	[مهندسی نقشه برداری]	هرگونه بی نظمی در یک تصویر که بر اثر کارکرد نامناسب سامانه تصویر سازی یا هرگونه چگالی نامطلوب در تصویر رخ دهد	13
۷۱۴	انتقال تصویر	image transfer	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند جابه جا کردن تصویر از یک مکان به مکان دیگر	13
۷۱۵	اندازه تصویر	image size	[مهندسی نقشه برداری]	اندازه طول و عرض تصویر	13
۷۱۶	برش زنی چگالی تصویر	image density slicing	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تبدیل مایه خاکستری در یک تصویر به تعدادی بازه چگالی یا برش که هر یک به یک ناحیه از دامنه خاص عددی تعلق دارد	13
۷۱۷	بزرگ نمایی تصویر	image magnification	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند بزرگ کردن یا افزایش مقیاس ظاهر یک تصویر	13
۷۱۸	بهسازی تباين تصویر	image contrast enhancement	[مهندسی نقشه برداری]	پردازش تصویر به نحوی که در آن تباين تصویر بهبود یابد	13
۷۱۹	بهنجارش تصویر	image normalization	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تغییر دامنه مقادیر شدت روشنایی تصویر دانه ها (pixels)	13
۷۲۰	پاره چین تصویری	image mosaic	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری بزرگ که از جورچینی تصاویر کوچکتر ساخته می شود	13
۷۲۱	پالایه جهتی تصویر	image directional filter	[مهندسی نقشه برداری]	پالایه ای ریاضیاتی که برای بارز سازی عوارض خطی جهت دار تصویر در یک راستای معین	13

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
				طراحی شده است	
۷۲۲	پایدارسازی تصویر	image stabilization	[مهندسی نقشه برداری]	کاهش تاری ناشی از حرکت دوربین در هنگام نوردهی با استفاده از مجموعه‌ای از فنون و روش‌ها	13
۷۲۳	پُرس‌مان تصویری	image querying	[مهندسی نقشه برداری]	پرس‌وجو برای یافتن اشیای مرتبط در پایگاه داده تصویری	13
۷۲۴	تباين تصوير	image contrast	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت بين انرژی گسیل شده از یک شیء و محیط پیرامون آن	13
۷۲۵	تصویر آشکارساز تغییرات	change-detection image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری تفاضلی که از مقایسه رقمی دو تصویر در زمان‌های مختلف به دست می‌آید و تغییرات را نشان می‌دهد	13
۷۲۶	تصویر ترکیب‌رنگی	colour-composite image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری رنگی که از اختصاص رنگ‌های مختلف به باندهای متفاوت و ترکیب آنها به دست می‌آید	13
۷۲۷	تصویر تفاضلی	difference image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که از تفریق مقادیر عناصر تصویری دو تصویر به دست می‌آید	13
۷۲۸	تصویر تمام‌نگاشتی	hologram imagery, holograph	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که بر مبنای روش‌هایی با امکان ساخت تصاویر سه‌بعدی تولید می‌شود و در آنها از لیزر و تداخل و پراش و ثبت شدت نور و نوردهی مناسب ثبت استفاده می‌شود به نحوی که تصویر حاصل، هماهنگ با تغییر موقعیت و جهت دستگاه بینایی تغییر می‌کند	13
۷۲۹	تصویر درجه خاکستری	grayscale image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که در آن رنگ‌ها تنها سایه‌هایی از خاکستری هستند	13
۷۳۰	تصویر رقمی	digital image, raster image, digitised picture	[مهندسی نقشه برداری]	تصویر به دست آمده در وضعیتی که خصوصیت مورد اندازه‌گیری از یک دامنه پیوسته از مقادیر قیاسی به دامنه‌ای با شمار محدودی از اعداد درست بیان شده تبدیل شده است	13
۷۳۱	تصویر قطبش‌سنجشی	polarimetric image	[مهندسی نقشه برداری]	بازنمود مبتنی بر اندازه‌گیری قطبش امواج رادیویی یا نوری	13
۷۳۲	تصویر قیاسی	analogue image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که در آن تغییرات پیوسته یک ویژگی مشخص با تغییرات پیوسته در مایه خاکستری نشان داده شده باشد	13
۷۳۳	تصویرگیری	image capture	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند ایجاد یک بازنمود رقمی از تصویر	13
۷۳۴	تصویر نسبتی	ratio image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که با پردازش داده‌های رقمی چندطبقه تهیه می‌شود و در آن مقدار هر عنصر در تصویر حاصل عبارت است از تقسیم مقدار آن در یک باند بر مقدارش در باند دیگر	13
۷۳۵	تصویر نسبتی ترکیب‌رنگی	colour-ratio composite image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویر ترکیب‌رنگی‌ای که از ترکیب تصاویر منفرد نسبتی برای یک صحنه، با استفاده از رنگ‌های مختلف، تولید می‌شود	13
۷۳۶	تصویر هم‌دما	isotherm image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که در آن خطوط تراز، مناطقی با دمای مساوی را به یکدیگر وصل می‌کند	13
۷۳۷	جفت تصویر ۱	image pair	[مهندسی نقشه برداری]	دو تصویر همپوشان که برای برجسته‌بینی یا اندازه‌گیری سه‌بعدی برداشته شده باشند	13
۷۳۸	چرخش تصویر	image rotation	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی تبدیل تصویری دوبعدی یا سه‌بعدی که تصویر را به گرد یک نقطه مرکزی براساس یک نظم دایره‌ای ویژه می‌چرخاند یا جابه‌جا می‌کند	13
۷۳۹	چگالی تصویر	density of image, image density	[مهندسی نقشه برداری]	میزان کدری یا تاریکی در شفافیت یک تصویر مثبت یا منفی	13
۷۴۰	ذخیره‌سازی تصویر	image storage	[مهندسی نقشه برداری]	ذخیره کردن تصاویر یا اطلاعات به دست آمده از تصویربرداری با استفاده از فناوری خاصی	13
۷۴۱	راست‌تصویر	orthoimage	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که از یک تصویر مرکزی متداول با ترمیم ساده یا جزء به جزء آن به دست می‌آید، به طوری که جابه‌جایی‌های ناشی از کجی سنجنده و ناهمواری زمین در آن زوده شده باشد	13
۷۴۲	ریخت‌دهی تصویر	image morphing	[مهندسی نقشه برداری]	فرایندی ویژه که در طی آن شکل یک تصویر با تغییرات تدریجی و پیوسته به تصویر دیگری بدل می‌شود	13
۷۴۳	ضرب تصویری	image multiplication	[مهندسی نقشه برداری]	عملیات پردازش تصویر که در آن تصویری تولید می‌شود که تصویردانه‌های (pixels) آن از ضرب مقادیر تصویردانه‌های هم‌تا در دو تصویر دیگر تولید شده باشد	13

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۷۴۴	قالب تصویر	image format 1	[مهندسی نقشه‌برداری]	ساختار معیار برای سازمان‌دهی و ذخیره‌سازی تصاویر رقمی	13
۷۴۵	قطع تصویر	image format 2	[مهندسی نقشه‌برداری]	اندازه واقعی فیلم منفی یا چارچوب یا بسترهای دیگری که تصویر بر روی آنها تولید می‌شود	13
۷۴۶	کدگذاری تصویر ۱	image encoding	[مهندسی نقشه‌برداری]	تبدیل داده‌های تصویری به یک قالب قابل خواندن به کمک رایانه برای فشرده‌سازی یا انتقال یا ذخیره‌سازی	13
۷۴۷	گسترش تباین تصویر	image contrast stretching	[مهندسی نقشه‌برداری]	گسترش دامنه داده‌های عددی یک تصویر به دامنه بزرگ‌تر با هدف بهسازی تباین تصویر و اجزای آن	13
۷۴۸	ناوردای تصویر	image invariant	[مهندسی نقشه‌برداری]	آن دسته از خصوصیات تصویر، مانند میزان روشنایی، که با تغییر مؤلفه‌های دوربین تغییر نمی‌کند	13
۷۴۹	نسبت تباین تصویر	image contrast ratio	[مهندسی نقشه‌برداری]	نسبت بازتابندگی روشن‌ترین و تاریک‌ترین بخش‌های یک تصویر	13
۷۵۰	نسبت‌گیری تصویر	image ratioing, image division	[مهندسی نقشه‌برداری]	روشی در فنون پردازش تصویر برای افزایش تباین میان عوارض تصویر که در آن مقادیر عناصر در یک تصویر بر مقادیر متناظر آن در تصویر دوم تقسیم می‌شود	13
۷۵۱	نمایش تصویر	image display	[مهندسی نقشه‌برداری]	ارائه برون‌داد سامانه پردازش تصویر که از مؤلفه‌های بنیادین مربوط به آن است	13
۷۵۲	نوفه تصویر	image noise	[مهندسی نقشه‌برداری]	تغییرات تصادفی روشنایی یا اطلاعات مربوط به رنگ که در شیء تصویر شده وجود نداشته باشد	13
۷۵۳	نومایی تصویر مینا	image-based rendering, image rendering	[مهندسی نقشه‌برداری]	تولید تصویری تازه از یک صحنه با استفاده از تصاویری که پیش‌تر از آن صحنه گرفته شده است	13
۷۵۴	هرم تصویر	image pyramid	[مهندسی نقشه‌برداری]	نوعی بازنمود داده‌های چندمقیاسی که در آن یک تصویر به دفعات تحت هموارسازی و زیرنمونه‌برداری قرار گیرد	13
۷۵۵	همتایی تصویری	image matching	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند یافتن نقاط شیئی همتا یا مشترک در دو یا چند تصویر	13
۷۵۶	همتایی رابطه‌ای	relational image matching	[مهندسی نقشه‌برداری]	همتایی بر مبنای سنجش ارتباط‌های موجود میان ساختارهای تصاویر	13
۷۵۷	همتایی عارضه‌مینا	feature-based image matching	[مهندسی نقشه‌برداری]	همتایی بر مبنای یافتن همخوانی میان عوارض تصاویر	13
۷۵۸	همتایی ناحیه‌مینا	area-based image matching	[مهندسی نقشه‌برداری]	همتایی بر مبنای مقایسه الگوهای شدت مقادیر تصاویر	13
۷۵۹	هندسه تصویربرداری	imaging geometry	[مهندسی نقشه‌برداری]	مقادیری هندسی که کمیت‌های بُعدی تصویر مانند اندازه و مرکز را تعیین می‌کنند	13
۷۶۰		digitised picture/ digitized picture → digital image	[مهندسی نقشه‌برداری]		13
۷۶۱		digitized picture → digitised picture	[مهندسی نقشه‌برداری]		13
۷۶۲		holograph → hologram imagery	[مهندسی نقشه‌برداری]		13
۷۶۳		image density → density of image	[مهندسی نقشه‌برداری]		13
۷۶۴		image division → image ratioing	[مهندسی نقشه‌برداری]		13
۷۶۵		image rendering → image-based rendering	[مهندسی نقشه‌برداری]		13
۷۶۶		raster image → digital image	[مهندسی نقشه‌برداری]		13
۷۶۷	بررسی هوایی	aerial reconnaissance,	[باستان‌شناسی]	روشی برای کشف و ثبت محوطه‌های باستانی با استفاده از انواع هواگرد	13

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
		aerial survey 2	ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]		
۷۶۸		aerial survey 2 → aerial reconnaissance	[باستان شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]		13
۷۶۹	رادار تصویربرداری	imaging radar	[علوم نظامی، مهندسی نقشه برداری]	راداری که با پردازش پژواک‌های بازگشتی به آنتن، تصویر سطح زمین یا دریا را می‌سازد	13
۷۷۰	عارضه تمرین	terrain exercise	[علوم نظامی، مهندسی نقشه برداری]	تمرینی برای فائق آمدن بر مشکلات یک وضعیت نظامی مشخص بر روی زمین که در آن افراد نظامی فرضی هستند و راهکار معمولاً مکتوب است	13
۷۷۱	عارضه کاوی	terrain analysis	[علوم نظامی، مهندسی نقشه برداری]	گردآوری اطلاعات در مورد عوارض طبیعی یا انسان‌ساخت در زمین عملیات و تحلیل و ارزیابی و تفسیر آنها برای پیش‌بینی تأثیرشان بر عملیات نظامی	13
۷۷۲	آشکارساز سنجشگر	sensor detector	[مهندسی نقشه برداری]	جزئی از سامانه سنجش‌ازدور که تابش دریافتی را تبدیل به نشانک/ سیگنال ثبت شده می‌کند	14
۷۷۳	اثر نقاط اصلی	cardinal point effect	[مهندسی نقشه برداری]	علائم بسیار روشنی که گوشه‌های بازتابنده‌ای که به صورت بهینه جهت‌گیری شده‌اند، آنها را پدید می‌آورند	14
۷۷۴	ایستگاه گیرنده زمینی	ground receiving station	[مهندسی نقشه برداری]	مکانی که در آن داده‌های ارسال شده از ماهواره ثبت می‌شود	14
۷۷۵	باریکه رادار	radar beam	[مهندسی نقشه برداری]	تپ/ پالس تمرکز یافته انرژی راداری	14
۷۷۶	بازتابگر گوشه‌ای	corner reflector	[مهندسی نقشه برداری]	گوشه‌ای که از دو یا سه صفحه مسطح متعام تشکیل شده است و امواج الکترومغناطیسی را مستقیماً به سمت منبع برمی‌گرداند	14
۷۷۷	برداشت مغناطیسی هوایی	aerial magnetic survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشت تغییرات میدان مغناطیسی زمین	14
۷۷۸	برد دور رادار	radar far range	[مهندسی نقشه برداری]	دورترین قسمت تصویر رادار از خط پرواز هواگرد یا فضاپیما	14
۷۷۹	برد زمینی رادار	radar ground range	[مهندسی نقشه برداری]	در تصویر راداری، فاصله پای رادار تا شیء	14
۷۸۰	بهسازی لبه	edge enhancement	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی روش پردازش تصویر که در آن بر ظاهر ساختن خطوط و لبه‌ها تأکید می‌شود	14
۷۸۱	پس‌پراکنه	radar backscatter, backscatter	[مهندسی نقشه برداری]	بخشی از انرژی ریزموج که سطح زمین آن را به سمت آنتن برمی‌گرداند مت. پس‌پراکنه رادار	14
۷۸۲	پس‌پراکنه رادار		[مهندسی نقشه برداری]	← پس‌پراکنه	14
۷۸۳	پویش دورانی	circular scanning	[مهندسی نقشه برداری]	پویشی که در آن موتور و آینه پویش بر محور قائمی نصب شده‌اند که مسیری دایره‌ای را بر روی زمین می‌پیماید	14
۷۸۴	پویش طولی	along-track scanning	[مهندسی نقشه برداری]	پویشی که در آن آرایه‌ای خطی از آشکارسازها در جهت عمود بر پرواز قرار دارد و هر آشکارساز به موازات راستای پرواز در میدان دید لحظه‌ای خود تصویربرداری می‌کند	14
۷۸۵	پویش عرضی	cross-track scanning	[مهندسی نقشه برداری]	پویشی که به کمک یک آینه نوسان‌کننده انجام می‌شود	14
۷۸۶	پویشگر دورانی	circular scanner	[مهندسی نقشه برداری]	ابزاری که با دوران یک آینه حول محور قائم، میدان دید لحظه‌ای از زمین را در نوارهای دایره‌ای پویش می‌کند	14
۷۸۷	پویشگر طولی	along-track scanner	[مهندسی نقشه برداری]	ابزاری در سنجش‌ازدور که در آن شمار فراوانی حسگر، نور بازتابیده از سطح در جهت حرکت ماهواره ثبت می‌کند و در نتیجه، تصویری با خطوط پویشی مجاور با هم‌پوشانی	14

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
				مختصر تولید می شود	
۷۸۸	پویسگر عرضی	cross-track scanner	[مهندسی نقشه برداری]	ابزاری که با دوران یک آینه حول محور افقی، میدان دید لحظه ای را در نوارهایی موازی و عمود بر امتداد پرواز پویس می کند	14
۷۸۹	پهنای زاویه ای باریکه رادار	angular beam-width in radar	[مهندسی نقشه برداری]	زاویه ای که باریکه پرتو رادار در سطح افقی پوشش می دهد	14
۷۹۰	پیش کوتاه نمایی رادار		[مهندسی نقشه برداری]	← کوتاه نمایی رادار	14
۷۹۱	تبدیل قیاسی به رقمی	analog-to-digital conversion	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تبدیل مقادیر قیاسی به معادل رقمی آنها مت. قیاسی به رقمی analog to digital	14
۷۹۲	تصحیح جو	atmospheric correction	[مهندسی نقشه برداری]	جبران آثار پراکنش گزینشی نور در جو	14
۷۹۳	تصحیح هندسی تصویر	image geometric correction	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند دستکاری رقمی تصویر به نحوی که سطح تصویر با یک دستگاه مختصات مرجع خاص تطبیق یابد	14
۷۹۴	تصویر دودویی	binary image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری رقمی که هر عنصر آن تنها دو مقدار می تواند داشته باشد	14
۷۹۵	تصویر قطبیده متقاطع	cross-polarized image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری راداری که از جهت متقابل قطبش حاصل شده است و در آن راستای قطبش بازگشتی بر راستای قطبش ارسالی عمود است مت. قطبیده متقاطع cross-polarized	14
۷۹۶	تفکیک سمتی	azimuth resolution	[مهندسی نقشه برداری]	توان تفکیک مکانی در راستای سمتی مت. توان تفکیک سمتی	14
۷۹۷	توان تفکیک سمتی		[مهندسی نقشه برداری]	← تفکیک سمتی	14
۷۹۸	توجیه زاویه ای	attitude 1	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین جهت یک جسم بر اساس زوایای میان محورهای مختصات آن جسم نسبت به محورهای مختصات مرجع خارجی	14
۷۹۹	جذبایی جو	atmospheric absorbance	[مهندسی نقشه برداری]	کسری از تابش که جذب جو می شود	14
۸۰۰	جذبایی سطح	surface absorbance	[مهندسی نقشه برداری]	کسری از تابش که جذب سطح می شود	14
۸۰۱	جذب جو	atmospheric absorption/ atmospheric absorbtion	[مهندسی نقشه برداری]	فرایندی که در طی آن ذرات موجود در جو انرژی تابشی جذب می کنند	14
۸۰۲	جذب سطحی ۲	surface absorption/ surface absorbtion	[مهندسی نقشه برداری]	فرایندی که در طی آن ذرات موجود در سطح انرژی تابشی جذب می کنند	14
۸۰۳	جذبندگی جو	atmospheric absorptance, atmospheric absorbtivity	[مهندسی نقشه برداری]	معیاری برای نشان دادن میزان جذب نور توسط مواد شیمیایی مختلف در جو	14
۸۰۴	جذبندگی سطح	surface absorptance, surface absorbtivity	[مهندسی نقشه برداری]	معیاری برای نشان دادن میزان جذب نور توسط مواد شیمیایی مختلف در سطح	14
۸۰۵	جهت سمتی	azimuth direction	[مهندسی نقشه برداری]	در تصاویر راداری، جهتی که هواگرد به سمت آن پرواز می کند مت. راستای پرواز flight direction	14
۸۰۶	خانک تفکیک زمینی	ground resolution cell	[مهندسی نقشه برداری]	مکانی بر روی زمین که تحت پوشش میدان دید آنی (of instantaneous field of view) آشکارساز قرار دارد	14
۸۰۷	داده های کمکی	ancillary data	[مهندسی نقشه برداری]	داده هایی که از آنها در پردازش داده های اخذ شده از تجهیزات استفاده می شود	14
۸۰۸	راستای پرواز	flight direction	[مهندسی نقشه برداری]	← جهت سمتی	14

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۸۰۹	روان ساز جوشکاری		[مهندسی نقشه برداری]	← پودر جوشکاری	14
۸۱۰	زاویه اُفت ۱	depression angle, angle of depression	[مهندسی نقشه برداری]	۱. زاویه بین خط دید و خط افق ۲. در رادار، زاویه میان سطح افقی فرضی گذرنده از آنتن و خطی که آنتن را به نشانه وصل می کند	14
۸۱۱	ژرفاسنجی ماهواره‌ای	satellite bathymetry	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین عمق آب نسبت به سطح تراز دریا با استفاده از ماهواره	14
۸۱۲	سامانه فعال	active system	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی سامانه سنسجس از دور که تابشی را به سمت هدف ارسال می کند و تابش بازتابیده یا عبوری را دریافت می کند مت. سنسجسگر فعال sensor active	14
۸۱۳	سنسجسگر فعال	active sensor	[مهندسی نقشه برداری]	← سامانه فعال	14
۸۱۴	ضخامت اپتیکی هواسلی	aerosol optical thickness	[مهندسی نقشه برداری]	← عمق اپتیکی هواسلی	14
۸۱۵	ضریب پس پراکندگی رادار	radar backscatter coefficient	[مهندسی نقشه برداری]	مقیاسی کمی برای نشان دادن شدت انرژی بازگشتی از سطح زمین به سمت آنتن رادار	14
۸۱۶	عمق اپتیکی هواسلی	aerosol optical depth	[مهندسی نقشه برداری]	کمیتی که مقدار نور کسر شده از یک پرتو نور را، در طول مسیر، از طریق جذب یا پراکنش توسط هواسل‌های جوی نشان می دهد مت. ضخامت اپتیکی هواسلی aerosol optical thickness	14
۸۱۷	قطبیده متقاطع	cross-polarized	[مهندسی نقشه برداری]	← تصویر قطبیده متقاطع	14
۸۱۸	قیاسی به رقمی	analog to digital	[مهندسی نقشه برداری]	← تبدیل قیاسی به رقمی	14
۸۱۹	کوتاه‌نمایی رادار	radar foreshortening	[مهندسی نقشه برداری]	نوع خاصی از واپیچش تصویر که در آن شیب زمینی که به سمت تابش رادار پهلونگر است، نسبت به حالت افقی آن با طولی فشرده تر تصویرسازی می شود مت. پیش کوتاه‌نمایی رادار	14
۸۲۰	مبدل قیاسی به رقمی	analog-to-digital converter	[مهندسی نقشه برداری]	افزای که نشانک/ سیگنال قیاسی را دریافت می کند و آن را، به صورتی مناسب، به قالب رقمی تبدیل می کند	14
۸۲۱	مدت درنگ	dwel time 2	[مهندسی نقشه برداری]	مدت زمان لازم برای برداشت اطلاعات یک عنصر تصویری توسط آشکارساز	14
۸۲۲	نسبت منظری تصویر	image aspect ratio	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت پهنا به بلندی تصویر	14
۸۲۳	نوار طیفی	spectral band	[مهندسی نقشه برداری]	بازه‌ای طول موجی در طیف الکترومغناطیسی	14
۸۲۴	واسنجی تصویر	image calibration	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند ایجاد ارتباط بین کمیت‌های مکانی و پرتوسنجشی و طیفی اندازه‌گیری شده و مقدار درست متناظر آنها	14
۸۲۵	هم‌پوشانی طولی	longitudinal overlap, forward overlap	[مهندسی نقشه برداری]	درصد هم‌پوشانی بین تصاویر پیاپی در جهت خط پرواز	14
۸۲۶	هم‌پوشانی عرضی	sidelap, lateral overlap	[مهندسی نقشه برداری]	میزان پوشش مشترک در جهت عرضی بین تصاویر گرفته شده در خطوط پروازی مجاور	14
۸۲۷		angle of depression → depression angle	[مهندسی نقشه برداری]		14
۸۲۸		atmospheric absorbtivity → atmospheric absorptance	[مهندسی نقشه برداری]		14
۸۲۹		backscatter → radar backscatter	[مهندسی نقشه برداری]		14

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۸۳۰		forward overlap → longitudinal overlap	[مهندسی نقشه برداری]		14
۸۳۱		lateral overlap → sidelap	[مهندسی نقشه برداری]		14
۸۳۲		surface absorbtivity → surface absorptance	[مهندسی نقشه برداری]		14
۸۳۳	داده کاهی	data reduction	[علوم کتابداری و اطلاع رسانی، مهندسی نقشه برداری]	کاهش حجم داده‌ها بدون از دست رفتن اطلاعات یا عوارض موردنظر	14
۸۳۴	اطلاعات مکانی مردم گستر	volunteered geographic information/ volunteer geographical information, VGI, volunteered geospatial information	[مهندسی نقشه برداری]	محتوای مکانی تولیدشده توسط کاربر در وبگاه‌های گوناگون برای برآوردن نیازهای بخش‌های صنعتی و دولتی و شبکه‌های اجتماعی	15
۸۳۵	برهم گذاری رسته مینا	category-wide overlay	[مهندسی نقشه برداری]	تخصیص مقادیر به کل نواحی موضوعی به عنوان تابعی از مقادیر دیگر لایه‌های مرتبط با یک رده مت. برهم گذاری منطقه مینا region-wide overlay	15
۸۳۶	برهم گذاری مکان مینا	location-specific overlay	[مهندسی نقشه برداری]	تخصیص مقدار به صورت تابعی از انطباق نقطه به نقطه نقشه‌های موجود	15
۸۳۷	برهم گذاری منطقه مینا	region-wide overlay	[مهندسی نقشه برداری]	← برهم گذاری رسته مینا	15
۸۳۸	بستر کدبندی مکانی	geocoding platform	[مهندسی نقشه برداری]	هستاری مفهومی در چهارچوب کدبندی مکانی که میانجی برهم کنش آرک جی آی اس (ArcGIS) را با عوامل ورودی تنظیم شده در مکان یاب نشانی و فرایندهای کدگر مکانی ترکیب می کند	15
۸۳۹	پاره بندی	tessellation	[مهندسی نقشه برداری]	در مورد یک صفحه، مجموعه شکل‌هایی که صفحه را بدون هم پوشانی و بدون جافتادگی پر کند	15
۸۴۰	پاره بندی منظم	regular tessellation	[مهندسی نقشه برداری]	پاره بندی بسیار متقارن متشکل از چندضلعی‌های همانند منظم	15
۸۴۱	پاره بندی نامنظم	irregular tessellation	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی پاره بندی که در آن هیچ محدودیتی در ترتیب قرار گرفتن چندضلعی‌های متصل به رئوس وجود ندارد	15
۸۴۲	پاره بندی نیمه منظم	semiregular tessellation	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی پاره بندی که در آن از چندضلعی‌های منظم گوناگون استفاده شود	15
۸۴۳	پایگاه قواعد کدبندی مکانی	geocoding rule base	[مهندسی نقشه برداری]	مجموعه‌ای از پرونده‌ها که کدگر مکانی را در جهت استانداردسازی داده‌های نشانی و تطبیق آنها با مکان مربوط در داده‌های مرجع هدایت می کند	15
۸۴۴	جمع سپاری مکانی	spatial crowdsourcing	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند جمع سپاری مجموعه‌ای از وظایف مکانی به مجموعه‌ای از عاملان که مستلزم سفر آنها به آن مکان‌ها است	15
۸۴۵	خبره سپاری	expertsourcing/expert sourcing/expert-sourcing	[مهندسی نقشه برداری]	واگذاری حل یک مسئله به فرد یا افرادی که دارای تجربه کافی در زمینه مشخصی هستند	15
۸۴۶	خدمات نشانی	address service	[مهندسی نقشه برداری]	خدماتی که می توان از طریق آن موقعیت یک نشانی را تعیین و متقابلاً نشانی یک موقعیت را مشخص کرد	15
۸۴۷	داده‌های مرجع کدبندی مکانی	geocoding reference data	[مهندسی نقشه برداری]	داده‌هایی که برای نمایش هندسی مکان‌های موردنظر در خدمات‌دهی کدبندی مکانی به کار می‌روند	15

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۸۴۸	رده عارضه کدبندی شده		[مهندسی نقشه برداری]	← رده عارضه کدبندی شده مکانی	15
۸۴۹	رده عارضه کدبندی شده مکانی	geocoded feature class	[مهندسی نقشه برداری]	یک رده عارضه که با کدبندی مکانی دسته‌ای تولید شده باشد مت. رده عارضه کدبندی شده	15
۸۵۰	رهیابی	wayfinding	[مهندسی نقشه برداری]	یافتن همه راه‌هایی که مردم از طریق آنها از مکانی به مکان دیگر می‌روند	15
۸۵۱	سامانه اطلاعات مکانی مشارکت همگانی	public participation GIS	[مهندسی نقشه برداری]	سامانه‌ای دارای اطلاعات مکانی و نقشه‌سازی در سطح محلی برای تولید دانش توسط گروه‌های محلی و غیردولتی مت. سام همگانی PPGIS	15
۸۵۲	سامانه اطلاعات مکانی مشارکتی	participatory GIS	[مهندسی نقشه برداری]	سامانه‌ای متشکل از مجموعه فناوری‌های اطلاعات مکانی و سامانه موقعیت‌یابی جهانی و نرم‌افزار سنجش از دور و دسترسی آزاد به داده‌های مکانی و تصاویر مت. سام مشارکتی PGIS	15
۸۵۳	سام جمع‌سپاری	crowdsourcing GIS	[مهندسی نقشه برداری]	الگوی خاصی از تأمین داده که در آن افراد یا سازمان‌ها برای دریافت خدمات یا نظریات موردنیاز خود از مشارکت اینترنتی کاربران استفاده می‌کنند	15
۸۵۴	سام مشارکتی	PGIS	[مهندسی نقشه برداری]	← سامانه اطلاعات مکانی مشارکتی	15
۸۵۵	سام همگانی	PPGIS	[مهندسی نقشه برداری]	← سامانه اطلاعات مکانی مشارکت همگانی	15
۸۵۶	شناسایی نشانگر	landmark identification	[مهندسی نقشه برداری]	شناسایی مکان‌ها یا عارضه‌های جغرافیایی که می‌توان آنها را به‌عنوان شاخص به کار برد	15
۸۵۷	عملیات اندازه‌بندی	size operation	[مهندسی نقشه برداری]	عملیات تخصیص مقادیر جدید، مطابق با مساحت، به هر رده از نقشه	15
۸۵۸	عملیات بازرده‌بندی	reclassify operation	[مهندسی نقشه برداری]	تخصیص دوباره مقادیر به یک نقشه موجود به‌عنوان تابعی از مقدار یا موقعیت یا اندازه یا شکل یا همجواری اولیه پیکربندی‌های مکانی که با یک رده از نقشه همراه است	15
۸۵۹	عملیات باز شماره‌بندی	renumber operation	[مهندسی نقشه برداری]	عملیات تخصیص مقادیر جدید به رده‌های یک نقشه	15
۸۶۰	عملیات برش‌زنی	slice operation	[مهندسی نقشه برداری]	تخصیص مقادیر جدید از طریق تقسیم دامنه مقادیر نقشه به فواصل معین	15
۸۶۱	عملیات دسته‌بندی	clump operation	[مهندسی نقشه برداری]	تخصیص مقادیر جدید به گروه‌های مجاور از خانک‌های درون هر رده از نقشه	15
۸۶۲	عملیات فاصله‌بندی	distance operation	[مهندسی نقشه برداری]	عملیاتی برای تولید نقشه جدید بر مبنای فواصل و مسیرهای بین نقاط مت. عملیات مجاورت proximity operation	15
۸۶۳	عملیات مجاورت	proximity operation	[مهندسی نقشه برداری]	← عملیات فاصله‌بندی	15
۸۶۴	عملیات همسایگی	neighbors operation	[مهندسی نقشه برداری]	تولید یک نقشه جدید بر پایه مقادیر همسایگی موقعیت هدف	15
۸۶۵	فرایند کدبندی مکانی	geocoding process	[مهندسی نقشه برداری]	گام‌های مربوط به برگردان مدخل نشانی و جست‌وجو برای نشانی در داده‌های مرجع موجود در مکان‌یاب نشانی و انتخاب بهترین گزینه از میان نامزدها	15
۸۶۶	قالب نشانی	address format	[مهندسی نقشه برداری]	ساختار و آرایش ویژه عناصر نشانی و روش هم‌تابایی مربوط که برای یک کاربرد خاص قابل استفاده باشد	15
۸۶۷	کدبندی مکانی	geocode, geocoding	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تعیین موقعیت یک مکان به‌صورت مختصات جغرافیایی از طریق مقایسه آن با دیگر داده‌های جغرافیایی	15
۸۶۸	کدبندی مکانی دسته‌ای	batch geocoding	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند کدبندی مکانی هم‌زمان برای شمار بسیاری از اطلاعات مربوط به نشانی	15
۸۶۹	کدبندی مکانی نشانی	address geocoding	[مهندسی نقشه برداری]	عملیاتی در سامانه اطلاعات مکانی (سام) برای تبدیل نشانی خیابان‌ها به داده‌های مکانی که به‌صورت عارضه بر روی نقشه قابل نمایش باشند	15

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۸۷۰	کدبندی مکانی وارون	reverse geocoding	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند یافتن یک مکان متنی مشخص مانند نشانی خیابان از روی مختصات جغرافیایی	15
۸۷۱	کدگر مکانی	geocoding engine	[مهندسی نقشه برداری]	هستاری در چهارچوب کدبندی مکانی که فرایند کدبندی را پیش می برد	15
۸۷۲	گستره نشانی	address range	[مهندسی نقشه برداری]	گستره شماره های موجود در یک خیابان یا در بخشی از یک خیابان از کمترین تا بیشترین مقدار	15
۸۷۳	مَت	ROI	[مهندسی نقشه برداری]	← منطقه توجه	15
۸۷۴	مجاورت	proximity	[مهندسی نقشه برداری]	شاخصی که فاصله بین همه نقاط در پیرامون یک نقطه را مشخص می کند	15
۸۷۵	مسیریابی	pathfinding	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند محاسبه مسیر بهینه میان یک مبدأ و یک نقطه یا نقاط مقصد در یک شبکه	15
۸۷۶	منطقه توجه	region of interest	[مهندسی نقشه برداری]	زیرمجموعه ای انتخاب شده از نمونه های موجود در یک مجموعه داده که با هدف خاصی در نظر گرفته شده باشد اخت. مَت ROI	15
۸۷۷	موقعیت یابی بیرونی	outdoor positioning	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین مکان اشیا یا افراد در محیط بیرون	15
۸۷۸	موقعیت یابی پایانه محور	mobile terminal-centric, terminal-centric positioning	[مهندسی نقشه برداری]	← موقعیت یابی کاربر محور	15
۸۷۹	موقعیت یابی درونی	indoor positioning	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین موقعیت اشیا یا افراد در داخل ساختمان	15
۸۸۰	موقعیت یابی شبکه محور	network-centric positioning	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین مکان یا محور قرار دادن شبکه	15
۸۸۱	موقعیت یابی کاربر محور	user-centric positioning	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین مکان یا محور قرار دادن پایانه کاربر مت. موقعیت یابی پایانه محور	15
۸۸۲	نُت	POI	[مهندسی نقشه برداری]	← نقطه توجه	15
۸۸۳	نشان گذاری مکانی	geotagging	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند افزودن نشان مکانی به عکس یا دیگر رسانه های رقمی	15
۸۸۴	نشانگر		[مهندسی نقشه برداری]	← نشانگر مکانی	15
۸۸۵	نشانگر مکانی	landmark	[مهندسی نقشه برداری]	موقعیت یک شیء برجسته و بارز یا شناخته شده در چشم اندازی مشخص مت. نشانگر	15
۸۸۶	نشان مکانی	geotag	[مهندسی نقشه برداری]	داده های جانپاده شده در یک رسانه رقمی برای تعیین اطلاعات مکانی، معمولاً طول و عرض جغرافیایی، مربوط به شیء مورد نظر	15
۸۸۷	نقشه سازی همکارانه	collaborative mapping	[مهندسی نقشه برداری]	یکپارچه سازی نقشه های اینترنتی با محتوای کاربر زاد (content user-generated)	15
۸۸۸	نقطه توجه	point of interest	[مهندسی نقشه برداری]	چیزی در یک مکان که از جنبه ای خاص مورد توجه شخصی قرار گرفته باشد اخت. نُت POI	15
۸۸۹	نمایه کدبندی مکانی	geocoding index	[مهندسی نقشه برداری]	نمایه ای در داده های مرجع که برای همتایابی اطلاعات در داده های مرجع با مکان یاب نشانی (address locator) به کار می رود	15
۸۹۰	همتایابی نشانی	address matching	[مهندسی نقشه برداری]	فرایندی که در آن یک نشانی یا یک جدول از نشانی ها با ویژگی های نشانی یک مجموعه داده مرجع مقایسه می شود تا مشخص شود که یک نشانی خاص در دامنه نشانی های مرتبط با عارضه مورد نظر در مجموعه داده مرجع انطباق دارد یا خیر	15
۸۹۱	هوش محیط	ambient intelligence, AmI	[مهندسی نقشه برداری]	فضایی الکترونیکی و اطلاعاتی حساس به حضور افراد که با عملکردی هوشمند پاسخگوی نیازهای آنان است	15
۸۹۲	هوش مکانی محیط	ambient spatial intelligence, AmSI	[مهندسی نقشه برداری]	هوش مربوط به محیط های ساختمانی و طبیعی برای پاسخگویی به پرسش های مکانی- زمانی و پایش رویدادهای جغرافیایی	15

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کارگروه	تعریف	دفتر
۸۹۳		Aml → ambient intelligence	[مهندسی نقشه‌برداری]		15
۸۹۴		AmsI → ambient spatial intelligence	[مهندسی نقشه‌برداری]		15
۸۹۵		geocoding → geocode	[مهندسی نقشه‌برداری]		15
۸۹۶		terminal-centric positioning → mobile terminal-centric	[مهندسی نقشه‌برداری]		15
۸۹۷		VGI → volunteered geographic information	[مهندسی نقشه‌برداری]		15
۸۹۸		volunteered geospatial information/ volunteer geospatial information → volunteered geographic	[مهندسی نقشه‌برداری]		15

دفتر هفدهم: آماده چاپ

ردیف	واژه بیگانه	معادل پیشنهادی
1	absolute positioning <i>syn.:</i> 1-point positioning 2- single receiver positioning	موقعیت‌یابی مطلق مت. موقعیت‌یابی نقطه‌ای، موقعیت‌یابی تک‌نقطه‌ای
2	absolute position	موقعیت مطلق
3	precise point positioning	موقعیت‌یابی نقطه‌ای دقیق
4	relative positioning	موقعیت‌یابی نسبی
5	relative position	موقعیت نسبی
6	kinematic positioning	موقعیت‌یابی حرکتی
7	static positioning	موقعیت‌یابی ایستا
8	differential positioning	موقعیت‌یابی تفاضلی
9	standard positioning service	خدمات موقعیت‌یابی استاندارد

ردیف	واژه بیگانه	معادل پیشنهادی
10	precise positioning service	خدمات موقعیت‌یابی دقیق
11	almanac ²	زیج ^۲
12	ephemeris	فرزیج
13	ephemeris error	خطای فرزیج
14	multipath error	خطای چندمسیری
15	anti-spoofing	پادجعل
16	mobile mapping	نقشه‌سازی سیار
17	image acquisition <i>syn.: imaging</i>	تصویربرداری
18	precise acquisition	دریافت دقیق
19	satellite constellation	ماهوارگان
20	clock bias	گرایستگی ساعت
21	clock drift	رانۀ ساعت
22	clock offset	دورافت ساعت
23	global positioning system <i>syn.: GPS</i>	سامانه موقعیت‌یابی جهانی مت و علامت اختصاری: ساموج
24	differential GPS <i>full form.: differential Global positioning System</i>	ساموج تفاضلی صورت کامل: سامانه موقعیت‌یابی جهانی تفاضلی
25	GPS signal acquisition <i>full form.: Global positioning System signal acquisition</i>	دریافت نشانک/سیگنال ساموج صورت کامل: دریافت نشانک/سیگنال سامانه موقعیت‌یابی جهانی
26	GPS user segment <i>full form.: Global positioning System user segment</i>	بخش کاربر ساموج صورت کامل: بخش کاربر سامانه موقعیت‌یابی جهانی
27	GPS ground segment <i>syn.: control segment, operational control system (OCS)</i> <i>full form.: Global positioning System ground segment</i>	بخش زمینی ساموج مت. بخش واپایی مت. سامانه واپایی عملیاتی صورت کامل: بخش زمینی سامانه موقعیت‌یابی جهانی
28	GPS application <i>full form.: Global positioning System application</i>	برنامه کاربردی ساموج صورت کامل: برنامه کاربردی سامانه موقعیت‌یابی جهانی

ردیف	واژه بیگانه	معادل پیشنهادی
29	ground antenna	آنتن زمینی
30	monitor station	ایستگاه پایش
31	master control station	ایستگاه واپایی اصلی
32	dilution of precision <i>syn.: geometric dilution of precision</i>	اُفت دقت مت. اُفت دقت مهندسی
33	position dilution of precision	اُفت دقت موقعیت
34	horizontal dilution of precision	اُفت دقت مسطحاتی
35	vertical dilution of precision	اُفت دقت ارتفاعی
36	time dilution of precision	اُفت دقت زمانی
37	horizontal position and time dilution of precision	اُفت دقت مسطحاتی - زمانی
38	selective availability	دسترسی گزینشی
39	exposure factors	عامل‌های نوردهی
40	exposure interval	بازه نوردهی
41	exposure latitude	گستره نوردهی
42	exposure meter	نوردهی سنج
43	exposure station <i>syn.: air station, camera station</i>	ایستگاه نوردهی
44	exposure table	جدول نوردهی
45	exposure time <i>syn. shutter speed</i>	مدت نوردهی
46	center line <i>syn.: centre line (BrEn)</i>	خط مرکزی
47	center point <i>syn.: principal point</i>	نقطه مرکزی
48	photograph center	مرکز عکس
49	radial center	مرکز شعاعی

ردیف	واژه بیگانه	معادل پیشنهادی
50	substitute center	مرکز جانشین
51	spatial autocorrelation	خودهمبستگی مکانی
52	spatial correlation statistics	آماره‌های همبستگی مکانی
53	spatial proximity	مجاورت مکانی
54	spatial dependency	وابستگی مکانی
55	spatial stationarity	مانایی مکانی
56	spatial regression	ویازش مکانی
57	spatial autoregressive model	مدل خودویاز مکانی
58	multispectral scanner (MSS)	پوشگر چندطیفی
59	scan line	خط پوشش
60	scan skew	چولگی پوشش
61	scanner distortion	وایچش پوشگر
62	scene	صحنه
63	Rayleigh scattering	پراکنش ری‌لی